

ارتقای منزلت اجتماعی فرهنگیان

مرضیه سنجری

کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه پیام نور

چکیده

آموزش و پرورش به منزله قلب پیکره جامعه است که موجب رشد و پیشرفت بخش‌های دیگر جامعه می‌شود. با مطالعه تاریخ کشورهای پیشرفته متوجه می‌شویم، آموزش و پرورش در ارتقای بخش‌های دیگر کشور نقش پررنگی بر عهده دارد. اما نکته مهم این است که اهمیت تعلیم و تربیت به عوامل آن بر می‌گردد و در میان عوامل آموزشی و پرورشی، «معلم» مهم‌ترین عامل تلقی می‌شود. معلمان در فرایند آموزش و پرورش نقش کلیدی دارند و برای این که، معلمان به عنوان رکن اصلی آموزش و پرورش بتوانند نقش خود را در فرایند تعلیم و تربیت به درستی ایفا کنند باید از منزلت و موقعیت اجتماعی شایسته‌ای برخوردار باشند. معلمی که از منزلت اجتماعی والایی برخوردار است می‌تواند الگویی مطلوب برای دانش‌آموزان باشد، در این پژوهش محقق سعی دارد به بررسی ارتقای منزلت اجتماعی فرهنگیان بپردازد، شاخص منزلت اجتماعی شامل ارزیابی عوامل عینی چون: محل سکونت، درآمد، شغل، تحصیلات، عضویت در مجامع و مانند آن می‌باشد، سنجش منزلت معلمی کار چندان دشواری نیست چرا که شاخص‌ها کاملاً متعین و قابلیت ارزیابی دارند. تشخیص ذهنیت یک جامعه در مورد یک شغل را می‌توان در رفتارها و برخوردهای اجتماعی آنان مشاهده نمود و یا میزان استقبال افراد یک جامعه از یک شغل، برای اشتغال خود یا فرزندان‌شان و اولویت انتخاب شغلی‌شان مورد بررسی قرار داد و به میزانی از منزلت اجتماعی آن شغل پی برد.

واژه‌های کلیدی: آموزش و پرورش، منزلت اجتماعی، معلم، عوامل آموزشی

مقدمه

همگان می‌دانیم که یکی از ارکان اساسی رشد و توسعه اقتصادی کشورها آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) است و تمامی صاحب‌نظران عقیده دارند که اگر در پیاده کردن سیستم صحیح آموزش و پرورش موفق باشند بر بسیاری از مشکلات و معضلات فائق آمده و جامعه خود را به سوی پیشرفت و ترقی در بسیاری از زمینه‌ها سوق خواهند داد و این موضوع بر جامعه نیز صادق است. قابل ذکر است که، تعلیم و تربیت انسان از بدو پیدایش مورد توجه بوده اما اهمیت آن در قرون اخیر به طور فزاینده‌ای آشکار شده است. درحال حاضر آموزش و پرورش کلید توسعه جوامع محسوب می‌شود و موفقیت و سعادت ملت‌ها به کیفیت آموزش تعلیم و تربیت آنها بستگی دارد. بدون تردید آینده هر کشوری را می‌توان از سیمای کنونی آموزش و پرورش آن دریافت (گلشن، ۱۳۸۷، ۱۳). اهمیت تعلیم و تربیت به عوامل آن قابل تعمیم است و در میان عوامل تعلیم و تربیت «معلم» مهمترین عامل تلقی می‌شود. در حقیقت هیچ کشوری نمی‌تواند از سطح معلمانش بالاتر رود. اگر بخواهیم به یک جامعه متعادل و انسانی برسیم باید معلم را مورد توجه قرار دهیم (خاتمی، ۱۳۷۶). درک حساسیت این نقش و ارزش نهادن بر آن از سوی عموم مردم جامعه به مفهومی اشاره دارد که در جامعه شناسی معادل منزلت اجتماعی^۱ است منزلت یا پایگاه اجتماعی آن شأن یا مقام و موقعیتی است که برای یک فرد در جامعه قایل‌اند یا تلقی و ذهنیتی است که دیگران از آنچه شخص هست دارند (علاقه‌بند، ۱۳۸۸، ۲۶). معلمان در فرایند آموزش و پرورش نقش کلیدی دارند و برای این که، معلمان به عنوان رکن اصلی آموزش و پرورش بتوانند نقش خود را در فرایند تعلیم و تربیت به درستی ایفا کنند باید از منزلت و موقعیت اجتماعی شایسته‌ای برخوردار باشند معلمی که از منزلت اجتماعی والایی برخوردار است می‌تواند الگویی مطلوب برای دانش‌آموزان باشد (محمدنیا، ۱۳۸۹، ۱۰) شواهد موجود نشان می‌دهد که منزلت اجتماعی معلمان به طور فزاینده‌ای کاهش یافته است (جهانگیری و علمی، ۱۳۹۴). سقوط تدریجی اعتبار و منزلت معلم در اجتماع سبب کاهش کارآمدی نظام تعلیم و تربیت می‌شود به همین منظور ایجاد فرصت‌های برابر جهت دستیابی به شان و منزلت واقعی معلم باید دغدغه کارگزاران رسمی تعلیم و تربیت باشد پیامدهای پایین بودن منزلت اجتماعی معلمان را می‌توان در سه سطح بررسی کرد: در سطح فردی کاهش تاثیر نقش الگویی، معلم احساس سرخوردگی و اضطراب شغلی (علیزاده و رضایی، ۱۳۸۸، ۹) در سطح سازمانی شایستگی نظام آموزشی به اندازه شایستگی معلمان آن است (نویدی و برزگر، ۱۳۸۲، ۶۰) و پیامد معلمان بی انگیزه و بی‌رقم متوجه سازمان و نظام آموزشی می‌باشد در سطح ملی آموزش و پرورش کلید توسعه جوامع محسوب می‌شود و موفقیت و سعادت ملت‌ها و آینده هر کشوری در گروی آموزش و پرورش آن کشور است (قادرزاده و فرجی، ۱۳۹۳، ۱۲۱).

پایین بودن منزلت اجتماعی معلمان در اکثر کشورهای جهان دیده می‌شود و به همین دلیل این موضوع محور بحث مجامع و محافل بین‌المللی قرار گرفته است. چهارمین گزارش یونسکو درباره آموزش و پرورش جهان به بررسی نقش و منزلت اجتماعی معلمان در جهانی که دستخوش تغییرات سریع است اختصاص داشته است. این گزارش به تفصیل اعتبار اظهاراتی را که به کرات در مورد کاهش منزلت اجتماعی معلمان شنیده می‌شود مورد تاکید قرار می‌دهد و اشاره می‌کند که ایجاد تغییراتی در حوزه ارتباطات و اطلاعات و نیز برخی سیاست‌های آموزشی رایج و به ظاهر غیر مغرضانه بر موقعیت معلمان تاثیر منفی می‌گذارد. در این گزارش به نحو متقاعد کننده‌ای استدلال شده است که آنچه که در حال حاضر در اکثر کشورها از معلمان انتظار می‌رود با پاداش‌ها و حقوقی که دریافت می‌کنند، تناسبی ندارد (کراو^۲، ۱۹۹۸). این وضع، جامعه جهانی را دچار نگرانی‌هایی

1. Social status

2. Craw

کرده و به همین دلیل آنان را به تلاش‌هایی برای مطالعه منزلت اجتماعی معلمان و معرفی راه‌های برای ارتقای آن واداشته است. پژوهش حاضر نیز بر آن است که به بررسی ارتقای منزلت اجتماعی فرهنگیان بپردازد.

بیان مسأله

آموزش و پرورش انسان به طور غیر رسمی از بدو پیدایش آن مورد توجه بوده و در قرون اخیر (بویژه در دهه‌های اخیر) به واسطه سهل الوصول و ارزان بودن سرمایه گذاری در آن نسبت به سایر بخش‌ها از یک طرف و بازدهی سریعتر، مطمئن تر و فراگیرتر آن بطور فزاینده‌ای از طرف دیگر آشکار شده است. به همین دلیل سرمایه گذاری برای آموزش و پرورش در کشورهای که توسعه یافته ویا درحال توسعه قلمداد می شوند، علی‌الخصوص درچند دهه اخیر همواره درحال افزایش بوده است. ماهیت فعالیت در حوزه انسانی باهدف رشد پویا و همه جانبه انسان مستلزم روحیه بالا و علاقه‌مندی زیاد از یک سو و دانش و قابلیت‌های لازم و متناسب از سوی دیگر است. پیاده کردن سیستم صحیح آموزش و پرورش مستلزم برنامه ریزی های دقیق و علمی است و آنچه در این میان چه در مراحل برنامه ریزی و چه در مراحل اجرا به صورت شاخص نمود پیدا می کند. وجود و ماهیت (نیروی انسانی) درون سازمانی است که در آن نیز سلسله مراتب و تقسیم بندی گوناگونی مترقب است حال اگر بخواهیم میزان اهمیت و تاثیرگذاری همین نیروی انسانی تشکیل دهنده آموزش و پرورش را مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم. بدون هیچگونه شک و شبهات نقش انکارناپذیر معلمان به منزله ستون آموزش و پرورش در اولویت قرار می گیرد. منزلت یا پایگاه اجتماعی شان یا موقعیتی است که برای یک فرد در جامعه قائل اند یا تلقی و ذهنیتی است که دیگران از آن چه شخصی هست دارند.

قابل ذکر است که، اگر نظام آموزش و پرورش به درستی انجام پذیرد، بسیاری از مشکلات و معضلات جامعه حل می‌شود و جامعه به سوی پیشرفت و توسعه حرکت می‌کند. کیفیت مهم ترین معیار توسعه آموزش و پرورش است موضوع کیفیت در اکثر نظام های آموزشی به یکی از مفاهیم اساسی در سیاست‌گذاری‌های کلان آموزشی تبدیل شده است و از این رو، کیفیت گزایی به منزله مرحله مهمی از تاریخ تحولات آموزش و پرورش مطرح شده است. کیفیت در حال حاضر یکی از محورهای اصلی همه مباحث آموزشی است و ارتقای آن مهمترین وظیفه وزارت آموزش و پرورش است. حتی ارتقاء کیفیت آموزش به منزله هدف غایی برخی مراکز پژوهشی آموزش و پرورش کشورمان دیده شده است (گروه راهکارهای افزایش کیفیت آموزش و کاهش افت تحصیلی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۷). بنابراین برای افزایش کیفیت نظام آموزش و پرورش نیاز به بررسی ابعاد موثر آن می باشد. همه برنامه ریزی ها باید در خدمت بهبود کیفیت آموزش صورت پذیرد و مهمترین عاملی که نقش بسزایی در بهبود کیفیت آموزش دارد معلم است امروزه در بین دست اندرکاران تعلیم و تربیت کمتر کسی یافت می‌شود که به اهمیت کار معلم و کیفیت آموزش توجه نداشته باشد کمپ^۱ (۲۰۰۰) می‌گوید آموزش و پرورش باید به تعالی بپردازد؛ اگر به کیفیت توجه نکنیم همه کوشش‌ها و هزینه‌های ما بیهوده است زیرا نه فقط عمر دانش‌آموزان خود را تباه کردیم، بلکه توانایی خویش را برای رقابت و بقا در جهان که خود را مسئول زندگی ما نمی داند، از دست داده‌ایم (به نقل از عسگری و کلدی، ۱۳۸۲، ۱۲۳).

در دین ما نیز معلم و احترام و شان او همواره مورد تاکید قرار گرفته است و از دیرباز در نظام آموزش و پرورش کشورهای مختلف معلمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده اند از این رو منشا ایجاد هرگونه تحولات بنیادی در نظام آموزش و پرورش را

^۱. Kemp

باید در جایگاه و اعتبار معلم جستجو کرد این موضوع در اسناد تحولی کشور به ویژه در برنامه درسی ملی تاکید شده است. اگر باور عمومی بر این باشد که بهترین‌ها را می‌سازند به منزلت معلمان توجه خواهد شد و تلاش و کوشش‌هایی برای احیای جایگاه معلم صورت خواهد گرفت (رون ۱۳۹۱)، معلمی که از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار است، می‌تواند سرمشق و الگویی مطلوب برای دانش‌آموزان باشد.

بسیاری از کشورهای دنیا نقش معلم در توسعه پایدار را به خوبی درک کرده‌اند و با فراهم آوردن شرایط مناسب، منزلت اجتماعی بالایی را برای این حرفه تدارک دیده‌اند؛ برای مثال در کشورهای اروپایی حرفه معلمی منزلت اجتماعی رو به بالایی دارد (پاپلتون و رایز بروگ^۱، ۱۹۹۰؛ دینهام و اسکات^۲، ۲۰۰۰) و در کشورهایی مانند آمریکا (هوایل^۳، ۱۹۹۵؛ تریمان^۴، ۱۹۷۷) تایوان (لین^۵، ۱۹۹۹، لی^۶، ۲۰۱۲) حرفه معلمی نسبت به حرفه‌هایی مانند دندانپزشکی و حسابداری منزلت و احترام بالاتری دارد (علیزاده و رضایی، ۱۳۸۸، ۹)

در جامعه ایرانی از گذشته‌های دور معلمان به خاطر تاکیدات پیشوایان، علمی مذهبی و... نیز نقش سازنده آن در تعلیم و تربیت افراد جامعه همواره مورد احترام عامه مردم بوده و به رغم درآمد پایین تر از متوسط درآمد جامعه احترام و منزلت اجتماعی والایی داشته‌اند اما با توجه به تغییرات اجتماعی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که در سال‌های اخیر در جامعه ایرانی به وجود آمده است؛ در حال حاضر عده‌ای از معلمان نه تنها به شغل خود افتخار نمی‌کنند بلکه معلم بودن به آن‌ها احساس سرشکستگی می‌دهد و بر عملکرد آموزشی آنها تاثیر مخربی داشته است (جهانگیری و علمی ۱۳۹۴، ۸). نتایج تحقیقات در ایران نشان می‌دهد جامعه ایرانی اعتبار بالایی برای حرفه معلمی قائل نیست و حمایت‌ها و اعتماد اجتماعی ناکافی به معلمان موجب شده است که از دهه ۶۰ شمسی به بعد منزلت اجتماعی سایر مشاغل بیشتر از این حرفه باشد (علیزاده و رضایی ۱۳۸۸، ۹) عوامل زیادی می‌تواند موجب افت کیفیت در حرفه معلمی شوند از جمله کم اهمیت شدن حرفه معلمی در اجتماع بی توجهی به مشکلات معلمان و تاکید بیش از حد بر قوانین و مقررات (احمدی، ۱۳۹۳).

پایین بودن منزلت اجتماعی معلم می‌تواند پیامدهای جبران ناپذیری برای حرفه معلمی و مهم‌تر از آن بر کیفیت آموزش داشته باشد که در ذیل به مواردی از آن اشاره می‌شود.

- ۱- رغبت نداشتن جوانان بخصوص پسران به احتساب حرفه معلمی
- ۲- روی آوردن به شغل معلمی به دلیل عدم توفیق در تصدی مشاغل دیگر
- ۳- نداشتن علاقه و انگیزه معلمان برای فعالیت‌های کارآمد
- ۴- افت کیفیت آموزش
- ۵- احساس سرخوردگی و اضطراب شغلی (آگیلار وفایی، ۱۳۷۹، به نقل از علیزاده و رضایی، ۱۳۸۸، ۹)
- ۶- کاهش تاثیر نقش الگویی معلمان برای دانش‌آموزان (معیدفر و ذهاتی، ۱۳۸۴).

بنابراین با توجه به مطالبی که در بالا به آن اشاره شد معلم به علت نقش مهمی که در فرایند پیچیده نظام آموزش و پرورش ایفاء می‌کند، پایین بودن شان و منزلتشان در جامعه می‌تواند صدمات جبران ناپذیری بر پیکر نظام آموزش و پرورش و مهم‌تر

1. Poppleton & piseborough

2. Dinham & scott

3. Hoyle

4. Treman

5. Lin

6. lee

آن بر آینده جامعه وارد کند که در بیشتر مواقع جبران این خسارات و صدمات یا غیر ممکن است یا موجب ایجاد هزینه‌های سرسام آور برای کشور می‌شود. هنگامی که معلمان انگیزه لازم برای یادگیری دانش‌آموزان در کلاس درس را نداشته باشند و علاقه زیادی به انجام فعالیت‌های کارآمد از خود نشان ندهند آنچه به عنوان محصول یا برون داد از نظام آموزش و پرورش خارج می‌شود نیروی انسانی بی‌کفایت است. با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان سوال تحقیق را اینگونه مطرح کرد: چه عواملی بر ارتقای منزلت اجتماعی فرهنگیان تأثیر دارد؟

ضرورت و اهمیت پژوهش

ظرافت کار در آموزش و پرورش، استعداد پذیرش نقش‌های مختلف و رشد عقلانی، اجتماعی، عاطفی و جسمانی کودکان و نوجوانان و ویژگی‌های آنان در دوران مدرسه‌ای سرمایه‌گذاری در آن را توجیه می‌کند. باید اذعان نمود که سرنوشت نزدیک به (یک سوم) جمعیت کشور، برای بروز قابلیت‌ها و برخورداری از زندگی سعادت‌مندانه در گرو عملکرد مدارس است. در این باره فعالیت معلمان (در فرایند یاددهی - یادگیری) نقش اصلی را ایفا می‌کند.

یادگیری در مدرسه یک فعالیت مداوم و مستمر است که در چارچوب کلاس درس معلم و به کمک کتاب‌های درسی انجام می‌شود. تدریس معلم و کیفیت آموزش اغلب به اندازه ارزشیابی آموخته‌های دانش‌آموزان جدی گرفته نمی‌شود. معلم برای آن که بتواند تدریس موفق و عملکرد خوبی در کلاس درس داشته باشد بایدشان و مقام و جایگاه آن در کلاس درس و بخصوص جامعه حفظ شود. شاید بخشی از مشکلات فعلی نظام آموزش و پرورش ناشی از بی‌توجهی به رضایت شغلی و جایگاه معلم در جامعه و تأثیر آن بر کیفیت آموزش باشد. نظام‌های آموزشی موفق این ضرورت را تشخیص می‌دهند و با تدوین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مناسب این مهم را تحقق می‌بخشند (عسگری و کلدی، ۱۳۸۲، ۱۲۳).

برای آن که معلمان به عنوان رکن اصلی آموزش و پرورش بتوانند نقش کلیدی خود را به خوبی ایفاء کنند، باید از منزلت و موقعیت اجتماعی خوبی در جامعه برخوردار باشند اما امروزه با توجه به تحقیقاتی که در زمینه منزلت اجتماعی معلمان در ایران انجام شده است نشان می‌دهد که منزلت اجتماعی معلمان امروزه به شدت کاهش پیدا کرده است و دیگر معلمان شان و موقعیت قبلی خود را در جامعه ندارند در حال حاضر عده‌ای از معلمان نه تنها به شغل خود افتخار نمی‌کنند، بلکه معلم بودن به آنها احساس سرشکستگی می‌دهد هم چنین این نگرش در جامعه ایجاد شده است که اغلب افرادی که به حرفه معلمی روی می‌آورند در تصدی مشاغل دیگر توفیقی نیافته یا سرمایه برای فعالیت‌های اقتصادی و تجاری نداشته‌اند. در چنین شرایطی منفی بودن نگرش نسل جوان به شغل معلمی چنان تعجب آور نیست هم چنین فارغ‌التحصیلان تمایل کمتری برای ورود به حرفه معلمی نشان می‌دهند و در بعضی از کشورها معلمی به عنوان شغل زنان در نظر گرفته می‌شود (جهانگیری و علمی، ۱۳۹۴، ۸)

پایگاه معلمان و پایگاه اجتماعی آنان یکی از موضوعات نگران‌کننده در دهه گذشته بوده است و این نگرانی به صورت بین‌المللی درآمده است تلاش‌های بسیاری برای پیدا کردن عوامل موثر در پایگاه اجتماعی معلمان در سطح جهانی صورت گرفته، تا از این طریق بتوان منزلت اجتماعی معلمان را ارتقاء بخشند (سام آرام و قائم پور، ۱۳۹۰، ۷۸) در ایران با استناد به تحقیقات انجام گرفته چنانچه بر منزلت اجتماعی معلمان بیشتر توجه شود و تلاش برای بهبود وضعیت و شان معلمی صورت گیرد، مطمئناً شاهد بهبود کیفیت آموزش و در نهایت بالا رفتن کیفیت تعلیم و تربیت و کار معلمان در مدارس خواهیم بود.

پیشینه پژوهش

- پیشینه تحقیقات داخلی

محمدی و راغب (۱۳۸۲) در زمینه منزلت اجتماعی معلمان، تحقیقی با عنوان «بررسی شأن و موقعیت اجتماعی معلمان از دیدگاه دانش‌آموزان مدارس راهنمایی و متوسطه استان اصفهان» انجام داده‌اند. هدف کلی تحقیق حاضر، بررسی شأن و موقعیت اجتماعی معلمان از دیدگاه دانش‌آموزان مدارس راهنمایی و متوسطه استان اصفهان می‌باشد که در این راستا اهداف فرعی زیر نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱. بررسی شاخص‌های موقعیت اجتماعی (حیثیت شغلی، وضعیت اقتصادی، ویژگی‌های ظاهری، مفید بودن، قدرت اجتماعی معلم، پیشینه خانوادگی، ویژگی‌های اخلاقی، سابقه تدریس، سن و سال، مدرک تحصیلی، و نوع تخصص معلمان) از دیدگاه دانش‌آموزان.

۲. بررسی موقعیت اجتماعی و شاخص‌های تشکیل‌دهنده آن (حیثیت شغلی، وضعیت اقتصادی، ویژگی‌های ظاهری، مفید بودن، قدرت اجتماعی معلم، پیشینه خانوادگی، ویژگی‌های اخلاقی، سابقه تدریس، سن و سال، مدرک تحصیلی، و نوع تخصص معلمان) از دیدگاه دانش‌آموزان مدارس راهنمایی و متوسطه.

۳. بررسی موقعیت اجتماعی و شاخص‌های تشکیل‌دهنده آن از دیدگاه دانش‌آموزان دختر و پسر.

۴. بررسی موقعیت اجتماعی معلمان و شاخص‌های تشکیل‌دهنده آن، از دیدگاه دانش‌آموزان شهر و روستا.

۵. بررسی موقعیت اجتماعی معلمان و شاخص‌های تشکیل‌دهنده آن از دیدگاه دانش‌آموزان دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه با توجه به شغل والدین.

در این تحقیق به منظور بررسی اهداف موردنظر، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس راهنمایی تحصیلی و متوسطه استان اصفهان در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ بوده که بالغ بر ۵۳۰۱۱۳ نفر بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، تعداد ۸۴۵ نفر از آن‌ها انتخاب و در تحقیق شرکت داده شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تعیین نوع رابطه بین متغیرهای تحقیق از آمار توصیفی (میانگین، درصد، واریانس) و آماراستنباطی (کای اسکور، t-test تک متغیره و کروسکال والیس) استفاده شده است.

نتایج پژوهش نشان داده است که:

(۱) دانش‌آموزان مدارس (راهنمایی و متوسطه، دختر و پسر، شهری و روستایی) شأن و منزلت اجتماعی معلمان را پایین ارزیابی کردند.

(۲) بین دیدگاه‌های دانش‌آموزان در مورد شاخص‌های منزلت اجتماعی معلمان (حیثیت شغلی، وضعیت اقتصادی، مذهب، سن، ویژگی‌های ظاهری، قدرت اجتماعی، میزان تحصیلات، نوع تخصص، مفید بودن، پیشینه خانوادگی، و ویژگی‌های اخلاقی معلمان) تفاوت معناداری وجود دارد.

(۳) بین دیدگاه‌های دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه نسبت به متغیر وضعیت اقتصادی معلمان تفاوت معنادار بوده و سطح معناداری آزمون فوق برابر با صفر می‌باشد. دانش‌آموزان مدارس راهنمایی وضعیت اقتصادی (درآمد و حقوق) معلمان را کمتر از دانش‌آموزان مدارس متوسطه ارزیابی کرده‌اند.

(۴) دانش‌آموزان مدارس متوسطه به «داشتن اخلاق خوب در افزایش منزلت اجتماعی» بیشتر از دانش‌آموزان راهنمایی معتقدند. بین دیدگاه‌های دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه نسبت به این ویژگی، تفاوت معنادار است.

۵) دانش‌آموزان مدارس متوسطه به «تعلق داشتن معلمان به خانواده‌های معروف و محترم» بیشتر از دانش‌آموزان راهنمایی معتقدند.

علیزاده (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) و تغییرات آن در طول سه دهه گذشته» منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) و تغییرات آن را در میان مشاغل جامعه در طول سه دهه گذشته مورد بررسی قرار می‌دهد. برای این منظور با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۹۰۲ نفر (۵۸۴ مرد و ۳۱۸ زن) انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش نشان داده است که: از دیدگاه شهروندان تهرانی، حرفه معلمی منزلت اجتماعی متوسط رو به بالا دارد و این جایگاه تحت تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان نیست. مطالعه روند منزلت اجتماعی حرفه معلمی نشان می‌دهد جایگاه این حرفه در دوره‌های سی ساله رو به کاهش بوده است.

مقدس (۱۳۸۴) پژوهشی را تحت «عنوان سنجش منزلت مشاغل شهری در ایران» (مورد مطالعه شهر شیراز) انجام داده است که هدف وی ارائه مقیاسی برای منزلت ۹۷ شغل انتخابی است که در آن کوشش شده است با کنترل ویژگی‌های جمعیتی-اجتماعی نظر دهندگان این مقیاس از حساسیت بالاتری برخوردار شود. ویژگی‌های مورد کنترل عبارتند از: جنس، گروه سنی، گروه شغلی، محقق تلاش نموده مقیاس به دست آمده را با مقیاس‌های دیگر مقایسه کند تا موضوع ابعاد روشن‌گرانه‌تری بیابد. محقق در نهایت با نظرخواهی از پاسخگویان در مورد اولویت یک شغل و بر پایه فرضیاتی که از نظریه‌ها استنتاج کرده بود سعی کرده است شاخصی برای پایگاه اجتماعی-اقتصادی همه مشاغل در جامعه شهری ایران ساخته شود تا امکان مقایسه‌های بعدی فراهم آید می‌باشد.

حسن‌پور (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه رودهن با عنوان «بررسی عوامل موثر بر ارتقای پایگاه اجتماعی معلمان از دیدگاه معلمان شهر بومهن» که به روش پیمایشی انجام داده نتیجه گرفته است که: هم عوامل فردی (سن، جنس، تحصیلات و محل سکونت)، هم عوامل اقتصادی (افزایش حقوق و مزایا و امکانات معیشتی و رفاهی) و هم عوامل اجتماعی (پشتیبانی و حمایت رسانه‌ها از معلمان، میزان اعتماد اجتماعی شهروندان به معلمان و...) بر ارتقای اجتماعی این معلمان موثر است.

رازقی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز با عنوان «سنجش منزلت اجتماعی معلمان میرجاوه از شهرهای استان سیستان» نتیجه گرفته است که: منزلت اجتماعی معلمان این شهر علی‌رغم پایین بودن معاش و امکانات رفاهی‌شان هم‌چنان در سطح بالایی قرار دارد و شهروندان با دیده احترام به ایشان می‌نگرند و اکثر خانواده‌ها حاضرند فرزندان‌شان با معلم ازدواج نمایند.

جهاد دانشگاهی دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان «بررسی تفصیلی منزلت اجتماعی مشاغل» در مشهد انجام داده است که در این پژوهش پایگاه شغلی را به عنوان پایگاه اکتسابی فرد در جامعه مورد سنجش قرار داده است که عمده‌ترین مقیاس‌های مورد استفاده:

۱. مقیاس منزلتی ۲. مقیاس شبکه اجتماعی ۳. مقیاس اقتصادی ۴. مقیاس مبتنی بر کل پاداش‌ها که یک نمونه ده‌تایی از مشاغل مورد بررسی قرار گرفته است.

عیوضی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی که در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی با عنوان «تبیین رابطه بین وضعیت اقتصادی معلمان دوره متوسطه نیشابور و منزلت اجتماعی آنان» به روش پیمایشی بر روی نمونه‌ای ۱۸۵ نفری از دبیران دوره متوسطه آن شهر انجام داده، دریافته است که: بین وضعیت اقتصادی معلمان دوره متوسطه نیشابور و

منزلت اجتماعی آنان رابطه معنی‌داری وجود ندارد و سایر عوامل اجتماعی مانند سطح علمی، عضویت در تشکلهای صنفی، احساس مفید بودن معلمان در نزد شهروندان و... در این رابطه مهم‌تر از وضعیت اقتصادی هستند.

زنگنه (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «بررسی منزلت اجتماعی معلمان منطقه بزینه رود از توابع استان زنجان از دیدگاه دانش-آموزان پسر و دختر دبیرستان در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱» که با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و هم‌چنین روش تکمیلی میدانی و نظرسنجی از طریق پرسشنامه از دانش-آموزان منطقه بزینه‌رود در استان زنجان انجام داده، آورده است: «یکی از عوامل مؤثر بر کارآمدی، تربیت و پرورش نسل آینده هر کشور، منزلت اجتماعی معلمان آن جامعه و برخورداری از جایگاه رفیعی در نزد جویندگان دانش است. از آن‌جا که جامعه ایرانی، در حال گذار از وضعیت سنتی به مدرن است، به تبع آن ارزش‌ها و باورها نیز در حال تغییر و دگرگونی‌اند، به طوری که خوشبختی با مفهومی که در عصر سنت مطرح بود، تفاوت پیدا کرده و در این گذار موجب سست شدن منزلت اجتماعی معلمان گردید. به نظر می‌رسد که افت جایگاه معلم یکی از مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگی جامعه امروز ایران است و اگر به درستی درک نشود، نه فقط برای معلمان بلکه برای نظام فرهنگی کشور مشکل‌آفرین خواهد بود. بررسی‌های صورت گرفته در منطقه بزینه‌رود حاکی از آن است که جایگاه و منزلت معلمان گرفتار یک روند کاهشی قابل توجهی شده است».

طیبی‌نیا (۱۳۹۳) تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با منزلت اجتماعی معلمان زن استان همدان» انجام داده که هدف از این مقاله شناسایی راهکارهای ارتقاء منزلت اجتماعی معلمان در استان همدان می‌باشد. این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی انجام شده است. تکنیک مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بوده و اطلاعات آن از ۲۰۱ نفر از معلمان زن در هر سه دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در مناطق برخوردار (شامل ۲ منطقه)، نیمه برخوردار (۳ منطقه) و محروم (۴ منطقه) با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به دست آمده است.

در این پژوهش، بر اساس یک رویکرد تلفیقی از نظریات مختلف که از زوایای متفاوت و بر اساس پارادایم‌های خاص خود به منزلت اجتماعی می‌پردازند، به چهارچوب طرح پرداخته شده است. مهم‌ترین این نظریات عبارتند از: نظریه‌های ماکس وبر، بوردیو، کارکردگرایی (پارسونز، دیویس، مور و مرتن)، کالینز، آدامز، محرومیت نسبی و نظریه گافمن. نتایج پژوهش نشان داد که افزایش رفاه اقتصادی و اجتماعی، کارکردی بودن نظام آموزشی، مشارکت معلمان در تصمیم‌گیری‌های نظام آموزشی، دسترسی عادلانه به منابع کمیاب، صورت‌های انضباط نمایشی و عدم فاصله نقش به طور معنی‌داری باعث افزایش منزلت اجتماعی معلمان می‌شوند.

معبودی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر منزلت اجتماعی حرفه معلمی از دیدگاه معلمان متوسطه استان مازندران پرداخته است. این پژوهش به دو روش مطالعه کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی انجام پذیرفته و از تعداد ۷۳۹۱ نفر از معلمان متوسطه دوم استان با استفاده از جدول کرجسی و مورگان دیدگاه ۳۶۷ نفر از معلمان بخش متوسطه در پنج شهرستان از آموزش و پرورش استان مازندران که به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند را در زمینه‌های عوامل مؤثر بر ارتقاء منزلت اجتماعی معلمان، شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فردی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤثرترین عامل ارتقاء منزلت اجتماعی معلمان عامل مادی و معیشتی آنان نیست بلکه اصلی‌ترین عامل در بین عوامل اقتصادی، متوازن بودن درآمد ماهیانه معلمان نسبت به سایر سازمان‌ها، و در بین عوامل اجتماعی فراهم بودن امکانات اقامت و پذیرایی در مسافرت‌ها، و در بین عوامل فرهنگی ارج نهادن به ارزش‌های معلم در جامعه و در بین عوامل فردی درستکاری معلمان بوده است.

- پیشینه تحقیقات خارجی

پرتیچارد (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان، «جایگاه معلمان در آلمان و ایرلند»، دیدگاه معلمان را در کشورهای اروپایی که درجات صنعتی متفاوتی دارند (جمهوری آلمان و ایرلند) نسبت به نقش و وضعیت اجتماعی‌شان بررسی نموده و به نتایج زیر رسیده است: معلمان ایرلندی نسبت به معلمان آلمانی دریافت بهتری از وضعیت خود در جامعه دارند و از سوی دیگر معلمان ایرلندی نسبت به معلمان آلمانی ظاهراً نسبت به آلمان‌ها به وضعیت حرفه‌ای اهمیت کمتری می‌دهند و سرانجام معلمان ایرلندی اعتماد به نفس بیشتری از معلمان آلمانی در آموزش به عنوان تعالی وضعیت اجتماعی خود دارند. خلاصه چنین به نظر می‌رسد که معلمان در جمهوری فدرال آلمان در مقایسه با همکاران خود در کشورهای کمتر صنعتی، توهّمات خود را درباره حرفه خودشان و نیز درباره نحوه بهبود کارآیی و پرستیژ زمینه حرفه خود از دست داده‌اند (زنگنه، ۱۳۹۲: ۱۶).

ورنون (۲۰۱۱) تحقیقی با عنوان «بررسی پایگاه حرفه‌ای و احساس اجتماعی معلمان در آموزش و پرورش ابتدایی و راهنمایی استرالیا» انجام داده است. هدف عمده در این تحقیق، بررسی تصورات حرفه‌ای معلمان مقاطع ابتدایی و راهنمایی استرالیا از حرفه خودشان نسبت به سایر مشاغل است. این پژوهش یک جستجوی شخصیتی است که به بررسی مشکلات و انتظارات شغلی معلمان می‌پردازد و سهم آموزش و پرورش را در هدایت افراد به سوی مشاغل مناسب مورد ارزیابی قرار می‌دهد. روش‌های مختلف به کار برده شده که از طریق آن معلمان و دیگر افراد سهیم در امر آموزش در رابطه با مشکلات روحی خود در حرفه معلمی گزارش داده‌اند. ارتباط بین گزارش‌ها و مشاهدات از یک سو و مفاهیم شغلی معلمان از سوی دیگر موضوع مورد بررسی تحقیق بوده، به عقاید عامه توسط این تحقیقات پاسخ داده شده است. علاوه بر آن، این مبحث شکل دهنده مراحل مختلف تحقیق پیرامون مشکلات معلمان با دیگر مشاغل مرتبط با امر آموزش و پرورش است (ورنون، ۲۰۱۱: ۱۴).

لی (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «پایگاه اجتماعی معلمان در تایوان»، به نتایج زیر رسیده است: در این تحقیق، محقق به بررسی پایگاه اجتماعی معلمان در کشور تایوان و مقایسه پایگاه اجتماعی معلمان تایوان و فعالیت کاری با دیگر معلمان در سطح بین‌المللی می‌پردازد. محقق مهارت‌های مختلف و شخصیت اجتماعی معلمان تایوان را با مقایسه با سایر معلمان قرار داده است و این مسئله را ناشی از عوامل متعددی نظیر روش‌های حکومتی دولت تایوان دانسته که ریشه در فرهنگ و سیاست و تاریخ این کشور دارد. مطالعات فراگیر محقق پیرامون ارزش شغلی معلمی در انگلستان، استرالیا و نیوزلند نشان داده که معلمان از جنبه آموزشی که همان کمک به دانش‌آموزان جهت یادگیری و اصلاح رفتار آنان است، رضایت کامل داشته از عوامل خارجی آموزش نظیر توانایی آموزشی، پر دغدغه بودن شغل معلمی، درآمد کم و زیاد بودن انتقاد به آموزش و پرورش و... ناراضی هستند. بسیاری از معلمان از افزایش سال‌های آموزش رضایت نداشتند و فراهم نبودن امکانات مناسب شغلی را یادآور شده‌اند. اما در تایوان، معلمان از حرفه خود رضایت کامل دارند و بررسی‌های عمده در مناطق شهری و روستایی تایوان نشان داده که بیش از ۸۰ درصد معلمان مدارس از شغل و حرفه خود رضایت کامل داشته و درباره حقوق و امکانات مالی خود نیز رضایت دارند. استرس شغلی کمتری داشته و همکاری و رابطه اجتماعی قوی با والدین و دانش‌آموزان دارند.

لذا، با توجه به رضایت شغلی موجود در این حرفه، عده زیادی از معلمان تمایل دارند که در حرفه آموزشی خویش باقی‌مانده و به امر تدریس بپردازند. در سطح بین‌المللی، معلمان در مقایسه با سایر مشاغل از یک پایگاه پایین برخوردار هستند و این مسأله به مخالفت با نظام، تعداد زیاد نیروی کار یا کاهش کیفیت توانایی آموزشی معلمان منجر گردیده و یک ناهمخوانی را در پایگاه اجتماعی به وجود آورده است. اما در تایوان، توانایی آموزشی معلمان به طور عمده در سطح بالایی قرار دارد. روش‌های

حکومتی تایوان بر روی معیارهای تحصیلات، ارزشیابی و تعلیم و آموزش معلمان و استخدام و نگهداری وضعیت شغلی مناسب جهت آنان و... به طور غیر مستقیم بر پایگاه اجتماعی معلمان به کار برده که پذیرش این معیارها بر اثر سطح بالای منزلت اجتماعی، طبقه‌بندی‌های شغلی و توانایی‌های آموزشی و نقش مثبت معلمان در تایوان ایجاد شده است. لذا دولت با فراهم نمودن برنامه‌های تشویقی نظیر شهریه مناسب، فراغت از تحصیل، سوبسید جهت کتاب‌ها و لباس و... قادر گردیده آموزشی را به کار گیرد که دانش‌آموزان را به معلمان تعلیم یافته آینده تبدیل سازد.

محقق ریشه پایگاه اجتماعی معلمان را در تایوان تحت تأثیر عوامل مختلفی می‌داند که بدان اشاره می‌گردد: پایگاه بالای اجتماعی معلمان تایوان ریشه در فرهنگ سنتی چین دارد. در این فرهنگ یک معلم مورد احترام دانش‌آموزان قرار داشته، ارزش‌ها و مهارت‌های فردی زندگی به صورت عمیق و ریشه‌ای از سوی معلمان به دانش‌آموزان انتقال می‌یابد و احترام به معلمان عمیق بوده حتی اگر روابط معلم و شاگردی یک روزه باشد. ریشه عمیق این عقاید (احترام و تکریم به معلم) ناشی از عقاید و ساختار سنتی چین می‌باشد که در آن قشر تحصیل کرده و دانشگاهی پرستی‌بالایی نسبت به سایر اقشار جامعه دارد و جهت بزرگداشت مقام معلم به صورت قانونی در مجالس متعدد از معلمان تقدیر می‌گردد. رشد احساسات جمعی که اشکال مختلف فرهنگ سیاسی را به دنبال داشته، تایوان را به یک جامعه دموکراتیک واقعی تبدیل ساخته است. خلاصه مطلب این که معلمان در حکومت تایوان از یک جایگاه قوی برخوردار بوده و به قدرت ملت کمک می‌نمایند، نقش یک رهبر را در توسعه ملی ایفا کرده و با هدایت جامعه انسانی، حکومتی صداقت پیشه را ایجاد می‌کنند. معلمان یک معیار موفقیت جهت ساخت ملت بوده و هنوز این عقیده در اذهان عامه مردم تایوان از معلمان وجود دارد: «نسلی فعال و سختکوش که در محیط اطراف خود از طریق تعلیم و تربیت دانش‌آموزان و همکاری با والدین آنان امرار معاش می‌نمایند» (لی، ۲۰۱۲: ۸)

هیرشان (۲۰۱۲) در پایان‌نامه دکتری خود در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه دهلی هند با عنوان «مقایسه تطبیقی منزلت اجتماعی معلمان هند و پاکستان» می‌نویسد: «چون فرهنگ دو کشور نزدیک به هم و دارای پیشینه تاریخی مشترک طولانی مدت هستند، تفاوت‌چندانی بین منزلت اجتماعی معلمان دو کشور هم فرهنگ وجود ندارد. در هر دو جامعه، به علت بافت تقریباً سنتی، معلمان با وجود درآمد تقریباً پایین، دارای منزلت بالایی هستند. فرضیه اصلی این پایان‌نامه با آزمون تفاوت گروه‌ها سنجش شده است. از هر کشور ۵ شهر که تقریباً فرهنگ و تعداد جمعیت مشابهی دارند. به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. حجم نمونه نیز ۵۰۰ نفر از شهروندان هندی و ۵۰۰ نفر نیز از شهروندان پاکستانی می‌باشند.» (هیرشان، ۲۰۱۲: ۱۲۲).

اهداف پژوهش

- هدف کلی

شناسایی عوامل ارتقای منزلت اجتماعی فرهنگیان

- اهداف فرعی

- شناسایی میزان احترام و نفوذ معلمان در بین دانش‌آموزان
- شناسایی میزان احترام و اعتماد اجتماعی والدین به حرفه معلمی
- شناسایی دلایل پایین بودن منزلت اجتماعی

سوال‌های پژوهش

- سوال اصلی

چه عواملی بر ارتقای منزلت اجتماعی فرهنگیان تاثیر دارد؟

- سوال‌های فرعی

- میزان احترام و نفوذ معلمان در بین دانش‌آموزان چگونه است؟
- میزان احترام و اعتماد اجتماعی والدین به حرفه معلمی چگونه است؟
- دلایل پایین بودن منزلت اجتماعی چیست؟

یافته‌های تحقیق

پایگاه اجتماعی معلم

پایگاه اجتماعی چیست؟ معلم در ساخت اجتماعی جامعه در کدام پایگاه جای دارد؟

ماسگروو و تایلور^۱ در بحث جالب خود با عنوان «مشکلات پایگاه و نقش» به شرایط وخیم «پایگاه ناهماهنگ» اشاره می‌کنند. این پایگاه هنگامی موجودیت پیدا می‌کند که یک نفر در دو یا چند موقعیت ظاهر شود برای مثال استاد دانشگاه فاقد مدرک دانشگاهی باشد! گفتن این که در پایگاه یک «معلم» چه چیز هماهنگ یا ناهماهنگ است مشکل می‌نماید. قسمت اعظم این امر به نوع مدرسه ای که در آن تدریس می‌کند، به نوع شاگردان وی و به موقعیت مکانی مدرسه بستگی دارد. اگر یک معلم در یک موقعیت ویژه به لهجه‌ی خاصی سخن بگوید ممکن است بتوان او را ناهماهنگ دانست. اما اگر معلم دیگری به جای او باشد احتمال دارد عنوان مذکور درباره‌ی او صدق نکند. بخش اعظم آنچه به تدریس مربوط می‌شود شخصیت فرد معلم و به قول مارتین بابر^۲ "ارتباط امور با تعلیم و تربیت" است (میر دریکوندی، ۱۳۸۹، ۷۶). حرفه‌ی معلمی چنان است که در آن راه تحرک عمودی مشخص نیست به علاوه، در این حرفه بسیاری از افراد تحت فشارهای موقعیتی خود را در شرایطی می‌بینند که با ویژگی‌های آنان مطابقت ندارد. در واقع "با موقعیت عجیبی مواجه می‌شویم که در آن افراد برای کسب شغل مترصد گرفتن مدرک تحصیلی نیستند بلکه چون شغل مذکور را بدست آورده‌اند خواستار گرفتن چنین مدرکی هستند".

هم چنین عده ای معلم شاغل هستند که به هیچ وجه ویژگی‌های لازم را ندارند و به همین دلیل، تحت هیچ شرایطی نمیتوان آنان را با شغلی که دارند "هماهنگ" دانست. بدون شک برخی عوامل شخصیتی و اجتماعی وجود دارند که اغلب برتر و بالاتر از مدارک یا مدارج فرهنگی قرار می‌گیرند (مقدس، ۱۳۷۴، ۵۰).

ویلسون^۳ در تحلیل ارزشمند خود از جایگاه معلم یکی از گفتنی‌ترین نکات را درباره‌ی حرفه‌ی معلمی مطرح می‌کند. احتمالاً سخن او هم از نظر کلی و هم اقتصادی سنگین ترین معیار را برای قضاوت به دست می‌دهد.

پزشکان و قضات در نقش‌های اجتماعی خود با افراد نابهنجار و منحرف و با کسانی که جرایمی مرتکب شده‌اند و به کمک کارشناسان نیازمند هستند سر و کار دارند معلم با عرضه‌ی خدمات اجتماعی اجباری با کلیه اعضای جامعه سرو کار دارد و این خدمات با در نظر گرفتن زندگی کلیه‌ی کودکان ۱۸-۶ ساله فرایندهای بهنجار تلقی می‌شود (ظهیری، ۱۳۸۶، ۷۴)

1. Masgoro & Taylor

2. Baber

3. Wilson

بهنجار بودن این امر را به انضمام یک اظهار نظر بلافصل می پذیریم آنچه توجه همه را به خود جلب می کند امور نابهنجار و ضد اجتماعی است و کسانی که با این امور سروکار دارند ممکن است با نظر ناخوشایند یا عدم پذیرش مواجه شوند تلقی معلمی به عنوان حرفه ای با ارزش و قابل مقایسه با حرفه های دیگر مستلزم آن است که افرادی که به این حرفه وارد می شوند و در آن فعالیت می کنند، دارای ضوابطی در سطح بالا باشند به علاوه می بایست تعداد افراد شاغل در این حرفه بسیار زیاد باشد تا بتوان آن را با شاغلین حرفه های دیگر مقایسه کرد و حرفه ای معلمی بتواند از هر لحاظ با حرفه های دیگر مساوی باشد و به عنوان حرفه ای درجه ای دوم تلقی نشود (همان، ۱۳۸۶، ۷۴).

شاخص های جهانی جایگاه معلم

مؤسسه وارکی^۱ جمر در سال ۲۰۱۳ پیمایش وسیعی میان ۲۱ کشور انجام داد که ۱۰۰۰ پاسخگو در هر کشور در این پیمایش شرکت کردند. این کشورها عبارت بود از برزیل، چین، جمهوری چک، مصر، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، رژیم اشغالگر قدسی، ایتالیا، ژاپن، هلند، نیوزیلند، پرتغال، ترکیه، سنگاپور، کره جنوبی، اسپانیا، سوئد، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا. این کشورها براساس عملکردشان در ارزیابی های PISA و TIMSS انتخاب شدند تا نماینده ای از هر قاره و انواع نظام های آموزشی باشند. ایجاد نمونه ای با نسبت مرتبط با جمعیت با اهمیت تلقی می شد. داده های این مطالعه را شرکت آمارگیری پاپولوس از طریق پیمایش گردآوری کرد این پیمایش سطح احترام و شأن معلمان را در کشورهای مختلف بررسی کرد این مطالعه دریافت که متوسط رتبه بندی احترام برای معلم در میان این ۲۱ کشور رتبه هفتم از ۱۴ تخصصی و حرفه بود که نشان دهنده جایگاه متوسط این حرفه است. اجماع بین المللی برای قیاس حرفه معلمی با حرفه های دیگر وجود نداشت تفاوت معناداری میان کشورها درباره تشویق نسل جوانشان به حرفه معلمی وجود داشت در عین حال که پنجاه درصد از والدین در چین مشوق آن بودند، این آمار در اسرائیل ۸ درصد بود. والدین در چین کره جنوبی ترکیه و مصر بیشتر تمایل داشتند که فرزندانشان به معلمی روی آورند به طور مشابه این کشورها درباره احترام دانش آموزان به معلمان باور عمیق تری داشتند. در بیشتر کشورهای اروپایی، بیشتر پاسخ دهندگان بر این باور بودند که دانش آموزان برای معلمان احترامی قائل نیستند نتایج نشان داد چین کره جنوبی، ترکیه، مصر و یونان بیش از تمامی کشورهای اروپایی و انگلوساکسون برای معلمان احترام و شأن قائل اند (نویسندگان و شفیع زاده، ۱۳۹۳، ۱۸۱).

- مقام و منزلت معلم از دیدگاه یونسکو

سازمان آموزشی علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)^۲ در اکتبر ۱۹۶۶ توصیه نام های برای ارج نهادن به مقام و منزلت معلم تدوین کرد. این توصیه نامه در ۱۳ فصل و ۱۴۶ ماده تنظیم شده و تقریباً به همه جنبه های زندگی و کار معلمان توجه کرده است. هرچند اجرای این توصیه نامه مانند تعهدنامه های بین المللی برای دولت ها الزام آور نیست، دولت های عضو یونسکو نمی توانند به این توصیه ها بی اعتنا باشند نمایندگان کشورها در جلسات عمومی باید میزان پیشرفت دولت متبوعشان را در جهت اجرای مفاد آن گزارش کنند. برخلاف تصور رایج سیاست ها و برنامه های یونسکو در مجمع عمومی این سازمان و با رأی برابر اعضا تصویب می شود (هر هیئت یک رأی). در میان ۱۹۱ کشور عضو این سازمان کشورهای موسوم به غیرمتعهد اکثریت

1. Varkey Gems

2. United nations education, scientific and cultural united nation (UNESCO)

مطلق اعضا را تشکیل می‌دهند و جایگاهی اساسی در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های یونسکو دارند برخی کشورهای غربی یونسکو را پایگاه کمونیست‌ها و کشورهای جهان سوم برای حمله به جهان غرب می‌دانستند ایالات متحده و انگلیس با همین تحلیل در دهه ۸۰ میلادی و در اعتراض به برخی تصمیمات یونسکو از این سازمان خارج شدند انگلستان در سال ۱۹۹۷ و آمریکا در سال ۲۰۰۳ مجدداً به عضویت یونسکو درآمدند علاوه بر این توصیه‌های یونسکو جنبه سیاسی ندارد و تنوع نظام‌های آموزشی و تفاوت‌های فرهنگی در کشورهای رسمیت می‌شناسد ایران عضو رسمی یونسکو است و شورای عالی آموزش و پرورش باید در تدوین اسناد تحولی مفاد این توصیه نامه و دیگر توصیه‌های این نهاد آموزشی و فرهنگی را لحاظ کند توصیه نامه مقام و منزلت معلم از دیدگاه یونسکو را نمی‌توان به بهانه تعارض سیاسی و حتی فرهنگی بایگانی کرد؛ چون اصولاً فارغ از جنبه‌های فرهنگی و سیاسی و با نگاه حرفه‌ای و تخصصی نوشته شده است. توصیه‌ها عمدتاً شامل پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت کار و زندگی معلمان است مراد از منزلت توجه به جنبه معنوی شغل معلمی و احترام و قدردانی از معلمان و توجه به استانداردهای مادی یعنی دستمزد و مزایای شغلی مناسب امنیت شغلی و تأمین اجتماعی برای معلمان است (تریمن^۱، ۲۰۰۴). در این توصیه نامه آمده است؛ باید به معلمی همانند یک حرفه توجه کرد این شغل خدمتی عمومی است که به معلمانی دانشمند و خیره نیاز دارد که از روحیه لازم، هوشی، سلامت جسمی، مهارت و دانش شغلی بهره مند باشند و با استفاده از مطالعات روزمره دانش و مهارت خود را بالا ببرند ورود به حرفه معلمی باید از هرگونه تبعیض نژادی، رنگ، جنس، مذهب، عقیده سیاسی، خاستگاه ملی و اجتماعی و وضعیت اقتصادی مبرا باشد. برنامه تربیت معلم باید شامل دوره آموزش عالی آموزش اختصاصی و کسب مهارت‌های تربیتی به صورت موازی یا متوالی باشد وجود سازمان معلمان به عنوان تشکلی حرفه‌ای و غیر دولتی برای پیگیری مطالبات معلمان ضروری است. این سازمان و دستگاه آموزش و پرورش در تعیین سیاست‌های آموزشی مناسب برای دستیابی به آموزش و پرورش پیشرفته به طور متحد عمل می‌کند داشتن معلمانی مجرب و با انگیزه ایجاد جاذبه برای جذب نیروهای برتر و صیانت از حرفه معلمی اساس توسعه کیفی نیروی انسانی آموزش و پرورش است اگر می‌خواهید بهترین‌ها برای ورود به شغل معلمی مقابل آموزش و پرورش صف بکشند به تبلیغات نیازی نیست (یونسکو، ۱۹۹۴). توجه به رفاه و تأمین معیشت معلمان و بهبود موقعیت کار و زندگی معلم بهترین راهکار برای جذب نخبه‌های دانشگاهی است (نوید ادهم و شفیع زاده، ۱۳۹۳، ۱۸۲).

– جایگاه معلم از دیدگاه بعضی از علمای تعلیم و تربیت جهان

– جایگاه و پایگاه معلم از نظر افلاطون

"ای گروه معلمین وصایا و سفارش‌های مرا درک کنید برای شاگردان همچون آئین‌های روشن باشید و آنها را از هر گونه زشتی و تمایلات نکوهیده و اشتباهات بازدارید".

از نظر افلاطون سقراط از پرداختن به ماهیت اشیا و سایر اموری که در راستای سعادت انسان تاثیر مستقیم و بارز ندارد شدیداً پرهیز کرده و همین امر در راستای سعادت و کمال انسان (عدالت، شجاعت، عفت) شده است. این نکته اهمیت و جایگاه ویژه مقام معلم را در زمان وی نشان می‌دهد.

^۱. Treiman

- فروبل می گوید:

"رشد و تکامل کودک در هر مرحله بستگی دارد به رشد و تکامل مرحله‌ی پیش و وظیفه‌ی معلم آن است که در هر مرحله لوازم و وسایل رشد و تکامل او را فراهم سازد."

- کمینوس عقیده دارد

"معلم فردی است که افراد را برای زندگی آماده می‌کند و هدف او این است که فرد دارای دانش، اخلاق و دین باشد."

- راجرز از صاحب نظران مشاوره می گوید:

"برای این که معلم بتواند در کمک و راهنمایی به شاگردان خود مؤثر و موفق باشد، باید افراد را به عنوان یک انسان قبول داشته باشد و برای آنان ارزش قائل شود و آنها را درک کند و در هنگام مشکلات با آنها همدلی کند."

- جایگاه معلم از دیدگاه بعضی از علمای تعلیم و تربیت مسلمان:

ابن سینا معتقد است: "زمانی که کودک شش ساله شد پدرش باید او را به مکتب فرستد و تا چهارده سالگی به تحصیل گمارد آموزگار او باید با دین و درستکار و خردمند و منصف و پاکیزه و موقر باشد. راه معاشرت را بداند به روش تعلیم و تربیت اطفال و تهذیب اخلاق آنها آشنا باشد. معلم باید به هنگام، آموختن روحیه‌ی معتدل داشته باشد و..."

- امام محمد غزالی تأکید می‌کند که:

"شاگرد باید استاد را عزیزتر از پدر، بداند زیرا پدر سبب زندگانی فانی است استاد سبب زندگانی باقی" خواجه نصیرالدین طوسی معتقد است:

"معلم باید عاقل و دیندار و شیرین سخن و نظیف و واقف بر تربیت اطفال و با وقار و با هیبت و با مروت باشد" (علاء الدین، ۱۳۹۴، ۲۶).

- نقش معلم در آموزش و پرورش و جامعه

در نظام آموزشی عواملی همچون افراد تعلیم یافته تسهیلات و تجهیزات، آداب و مقررات و هنجارهای خاص فضای آموزشی و... وجود دارد که شاید بتوان گفت یکی از مهم ترین عوامل نظام آموزشی و پرورش معلم است و او می‌تواند نقص دیگر حوزه‌ها را تا حدود زیادی بر طرف و از فرصت‌های در دسترس بهترین استفاده در جهت کار آمدی خود داشته باشد. مدرسه نهادی است که شکل سازمانی خاص خود را دارد اما در عین حال نوعی جامعه نیز هست. معلم در این جامعه در دنیای خاص خود که بین دنیای کودکان و بزرگسالان واقع شده به سر می‌برد. می‌گویند او "بزرگسالی است در میان کودکان و کودکی است در میان بزرگسالان" این سخن مانند اکثر شوخی‌ها و اظهار نظرهای مبالغه آمیز، است اما در آن حقیقتی نهفته که یکی از مشکلات حرفه‌ی معلمی را آشکار می‌کند. صاحب نظری اظهار می‌دارد که "معلم حد واسط دنیای واقع و دنیای آرمانی است" و بیشتر شاگردان معلمان خود را به ارائه تصاویری از شرایط بسیار غیر واقعی یا آرمانی و دور بودن از زندگی واقعی متهم می‌کنند و نقش تدریس چیزی است اکتسابی و این نقش باید ساخته شود (ورنون، ۲۰۰۰، ۱۴).

نقش معلم چیست؟ اصولاً نقش دو جنبه دارد زیرا که هر جنبه ارزشی دارد و از آن انتظار می‌رود و این دو جنبه یکی طرز کار دیگری برخوردار با دیگران است مسئله ای دیگر آن است که خود شخص از آن چطور برداشت می‌کند و دیگران راجع به آن چه عقیده و انتظاری داشته باشند. نقش معلم آن چیزی است که او انجام می‌دهد و این کار بر مبنای معلومات خود او و برنامه و سیاست مدارس مختلف قرار دارد به همین علت وظیفه یا نقش معلم در مرکز پیش دبستانی مانند کار او در دبیرستان نیست. رابطه‌ی نزدیکی بین تصور و خواسته‌ی شخصی از شغل در اثر و قضاوت جامعه خواهد بود و به همین علت اهمیت بعضی مشاغل تغییر می‌کند و در انتخاب شغل آینده انسان اثر می‌گذارد. این مسئله درباره‌ی (شغل) معلمی بسیار مهم است و هر طور معلم به خود بنگرد و خود را قضاوت کند جامعه هم به همان روال نسبت به او فکر خواهد کرد و چگونگی قضاوت جامعه درباره‌ی شغل معلمی، در انتخاب این شغل بین جوانان تأثیر خواهد گذاشت (فیروزی ثانی، ۱۳۸۹، ۵۴).

نظر جامعه نسبت به معلم چیست؟ اغلب اشخاص در ذهن خود برای هر شغلی یک تصویری دارند و یک شغل را مجسم می‌کنند. "مطالعه‌ای کامل درباره‌ی این که اجتماع از معلم چه انتظاری دارد انجام گرفت و به این نتیجه رسید که از معلم انتظاری می‌رود که تمام حرکات و رفتارهای بر مبنای ارزش‌های اجتماعی باشد و سر مشق خوبی از رفتار و اخلاق باشد و هیچ گناهی مرتکب نشود. معلم باید یک انسان بی طرف و قاضی درست باشد" معلمین را اغلب غریبه‌ی اجتماعی می‌نامند و این به علت موقعیت کاری آن‌هاست. اولاً معلم بیشتر عمر خود را در بین بچه‌ها می‌گذراند و حتی با والدین هم به وسیله‌ی بچه‌ها و برای بچه‌ها در تماس است زندگی او همیشه در اطراف مسایل مشکلات امتحانات و مدرسه می‌چرخد و روی هم رفته از زندگی معمولی یک انسان در جامعه محروم است در عین حال معمولاً بچه‌ها او را از خود نمی‌دانند زیرا بر آنها حکومت می‌کند و باید به آنها درس بدهد و آنها را امتحان کند و دستور بدهد و تنبیه کند. ثانیاً معلم در دو جهت زندگی می‌کند و از جامعه‌ی اصلی خود جداست و اکثر در اجتماع زندگی می‌کند ولی جزء آن اجتماع نیست نه از لحاظ علمی و نه از لحاظ اجتماعی، چنان که گفته می‌شود نقش اصلی معلم برقراری پلی بین دنیای امروز و فرداست یعنی او در دو دنیای مختلف زندگی می‌کند در حالی که عضو هیچ کدام از این دو دنیا نیست (همان، ۱۳۸۹، ۵۶).

- نقش و جایگاه معلم در دوران معاصر

سخن گفتن از "نقش مشخص معلم" ناممکن است زیرا در این صورت باید پذیرفت که چیزی به روشنی تعریف شده که کلیه‌ی معلمان مدارس را در هر شرایطی می‌توان با آن سنجید. ماسگروو و تایلور^۱ در تحلیل شکل دادن نقش معلمان در دوران معاصر برخی از دگرگونی‌های حاصل در مفهوم نقش معلم را با توجه به مفاهیم متغیر روش تدریس بررسی کرده‌اند. در نتیجه‌ی برخی از دگرگونی‌های اخیر، معلم ممکن است به یک "مدیر صحنه" یا "کارمند ارشد" یا احتمالاً مددکار اجتماعی تبدیل شود. لکن "نخستین نیاز معلم جدید آن است که تدریس نمی‌کند" زیرا ناچار است خواست‌های سرپرستانش را در نخستین مراحل آموزشی خود دنبال کند (خلیل‌زاده، ۱۳۹۱، ۴۱).

احتمالاً، روزگاری معلم با خوشحالی می‌توانست بگوید که تنها وظیفه‌ی او انتقال مجموعه‌ی خاصی از دانش به گروه خاصی از شاگردان و آگاهانیدن آنان از مهارت‌های خاص و احتمالاً از گرایشها و آرای ویژه است. اما به یمن دگرگونی شرایط اجتماعی و بررسی دقیقتر فرایند تعلیم و تربیت از طریق رشته‌های مختلف، آن امروز می‌توان جایگاه معلم را به دقت و باریک بینی تمام مشخص کرد البته ممکن است معلمانانی باشند که هنوز هم نقش خود را به همین صورت تعبیر کنند. اما بسختی می‌توان

^۱. Taylor

پذیرفت که اینان نقش خود را با توجه به مجموعه‌ی نقش‌ها، کیفیت متغیر آن و انتظاراتی که از هر نقش داریم جدی گرفته باشند (بختیاری، ۱۳۸۸، ۹۷).

"ماسگورو"^۱ اشاره کرده است که معلمان با بقیه‌ی جامعه ارتباط خاص خود را دارند. اینان همچون کشیشان یا روان‌پزشکان نقش واسطه‌ی دو دنیا را دارند و در نتیجه به هیچ یک از این دو دنیا تعلق ندارند معلم با در نظر گرفتن نقش خود متوجه می‌شود که بسیاری از مسائل شخصی و تضادهای او از موقعیت ویژه‌اش ناشی می‌شود. او ممکن است نوع جامعه‌ای را که از او نقش خاصی انتظار دارد یا می‌خواهد که این نقش را به شاگردان خود منتقل کند، دوست نداشته باشد یا حتی با آن بشدت مخالف باشد این خواه ناخواه به تضاد ذهنی او می‌انجامد لکن تضادهای دیگر از این واقعیت منبعت می‌شود که معلم در مقام یک فرد در، زندگی نقشهای متعدد ایفا می‌کند (پدر، صاحب منصب و...) از این رو هر نوع تحلیل نقش معلم نمی‌تواند فردیت معلم را نادیده بگیرد. با این حال با توجه به نقش مذکور از فردیت او تنها به صورت کلی می‌توان سخن گفت (خادمی، ۱۳۸۹، ۵۲ - ۴۸)

در هر نوع بررسی نقش و جایگاه معلم، با آنچه افراد دیگر از شاگردان گرفته تا والدین و مراجع محلی تعلیم و تربیت از او انتظار دارند سر و کار نزدیک داریم این انتظارات، یا هنجارهای نقش، ممکن است باری سنگین بر دوش معلم بگذارد که در مواردی برای قبول آن بی‌علاقه باشد یا آمادگی نداشته باشد. مسلماً والدین و شاگردان از او انتظار دارند که به مفهوم ساده‌ی کلمه تدریس کند. اما در واقع ممکن است خود معلم به تدریس به منزله‌ی کوچکترین و کم‌اهمیت‌ترین و احتمالاً عمده‌ترین نقش خود نگاه کند. در شرایط کنونی تعلیم و تربیت راه‌خیز، کمتر محتمل است، اما به هر صورت امکان آن وجود دارد با این حال معلم ممکن است در مقایسه با دیگرانی که در همان مجموعه نقش هستند، به نقش خود با دید متفاوتی بنگرد و ممکن است خود را مشاور یا راهنمای شاگردانش بداند و همواره برای شنیدن مسائل آنان و اظهار نظر مشورتی در هر جا و هر وقت که لازم بود، مشتاق و آماده باشد. او ممکن است خود را مددکار و دوست آنان، نوعی مددکار اجتماعی آنها بداند. معلم ممکن است در مقام عضو جامعه، بپذیرد که نقش او در وهله‌ی اول آشنا کردن کودکان با جامعه است یعنی ممکن است احساس کند که عمده‌ترین وظیفه‌ی او اجتماعی کردن آنان است (همان، ۱۳۸۹، ۵۲-۴۸)

- جایگاه و سهم معلم در ساخت جامعه‌ی ایران

زندگی صنعتی سبب شده است که اولاً، خانواده دیگر به معنای قدیم وجود نداشته باشد و پدر و مادر هر دو شاغل و مجبور به بیرون رفتن از خانه باشند و آیا وقتی که مادران از خانه بیرون رفتند و این حرکت ایجاد شد می‌توان گفت ثبات که لازمه‌ی تربیت است وجود دارد؟! چه کسی باید این وظیفه را به عهده بگیرد؟! معلم از معلم امروز می‌خواهیم کارهایی را که خانواده‌ی سابق انجام می‌داد انجام بدهد. نقش او پیچیده‌تر شده است. معلم باید مواظب یک رقیب دیگر هم باشد و آن این است که افراد خانواده نه تنها شاغل و مشغولند، بلکه در آن ساعاتی هم که با هم زندگی می‌کنند با هم نیستند. چشم‌ها به تلویزیون دوخته شده است و تبلیغات تکنولوژی آموزشی، این که تلویزیون و اصولاً تکنیک‌های آموزشی کجا باید قرار بگیرند تا باعث تنزل مقام معلم نباشد (افلاکی فرد، ۱۳۸۰، ۶۱)

از جمله‌ی عوامل دیگر مدارس خصوصی غیر انتفاعی است که معلم را به صورت یک کاسب در آورده است و... و عامل دیگر تربیت معلم است تربیت معلم به صورت فوری، معلم شش ماهه، معلم یک ساله سابقاً آموزگار و معلم خود ساخته بود در جامعه

^۱. Masgoro

تربیت شده بود، نه در دو سال در دانش سرای مقدماتی و تربیت معلم ... یکی دیگر مراتبی است که به وجود آمده و جامعه هم به آن صحنه گذاشته است، آموزگار، دبیر، دبیر راهنمایی، دبیر دبیرستان، استاد دانشگاه، مربی دانشگاه و... و اما آنچه مربوط است به خود معلمان بی اعتنایی خود آنهاست به شغل معلمی، تحقیر کار خود در نتیجه‌ی تلقین‌ها (کاردان، ۱۳۸۱، ۵۴).

- مقایسه جایگاه معلمان در ایران با دیگر کشورها

در بین کشورهای پیشرفته دنیا این نوع نگاه و امثال این شعار برای تربیت نیروی انسانی و تولید فکر می‌شود روزی پروفیسور حسابی در کشوی میز آزمایشگاه خود در کشوری غربی با دسته می‌چکی سفید امضاء مواجه شد؛ به گمان این که شاید مسئولان در صدد امتحان او هستند دسته چک را به مسئول خود تحویل داد و علت این رفتار را جویا شد جناب آقای مسئول به پروفیسور حسابی توضیح می‌دهد که شما در حالت تولید علم و کار آزمایشگاهی هستید بنابراین صحیح نیست هر بار که به چیزی احتیاج داشتید برای دریافت بودجه به ما مراجعه کنید؛ این دسته چک با تمام برگه‌های سفید امضایش برای همین در اختیار شماست این مثالی بود از میزان اهمیتی که به تولید علم داده می‌شود. یکی از شاخص‌های توسعه در هر کشوری همین تولید علم و آموزش منابع انسانی است و در این بین محوری‌ترین نقش با معلمان است جایگاه یک معلم در هر کشوری را می‌توان با میزان اهمیتی که به علم آموزی، تعلیم و تربیت داده می‌شود سنجید و مشخص کرد. معلمی در کشور ما فراتر از یک شغل است (طیبی نیا، ۱۳۹۳، ۱۴۳).

روزگاری معلمان به خصوص در روستاهای دور افتاده در نقش، قاضی، پزشک مشاور خانواده، رابط مردم با مسئولان و... ظاهر می‌شدند. هنوز هم بسیاری از معلمان برای خانواده‌ها این نقش را دارند. در این بین یک متر و شاخص دیگر هم برای شناخت واقعی جایگاه معلمان در جامعه (البته از دید مسئولان نه مردم) وجود دارد و آن وضعیت معیشتی آنهاست اگر به نقش و تأثیر معلم در جامعه به نسبت دیگر مشاغل اشراف داشته باشیم؛ اگر بدانیم جذب و حفظ نیروی انسانی توانمند چه تأثیری در پیشبرد اهداف یک سازمان دارد؟ وقتی بدانیم که دغدغه معاش مانع جدی برای جذب نیروی متخصص و در ادامه مسیر پیشرفت آن است میتوانیم معیشت این قشر را شاخصی برای درک بهتر جایگاه آنها در کشور بدانیم این مقایسه می‌تواند از چند منظر باشد؛ به طور مثال نسبت به تولید ناخالص ملی کشور، معیشت تمام مردم درآمد دیگر اقشار جامعه و... کشورهای ژاپن، آلمان، کره جنوبی و سوئیس جزو کشورهایی هستند که در سال (۲۰۰۳) بیشترین حقوق را به معلمان خود می‌دهند. به طور مثال میانگین درآمد یک معلم در سوئیس طی یک سال معادل ۵۸۵۲۰ دلار است، درآمد سالیانه معلمان در آلمان ۴۸۸۰۰ دلار و در ژاپن ۴۵۵۱۵ دلار است ایرادی که در این مقایسه وجود دارد این است که درآمد کل کشور و معیشت تمامی اقشار در آن لحاظ نشده برای همین مقایسه درآمد یک معلم با سرانه تولید ناخالص ملی روش بهتری است به عنوان مثال درآمد یک معلم در کره جنوبی ۲۴۲ درصد این، سرانه در آلمان ۱۸۰ درصد و در ژاپن ۱۶۰ درصد سرانه تولید ناخالص ملی است (نویدی و برزگر، ۱۳۸۲، ۵۸).

از قرار این توجه به معلم در دیگر کشورها صرفاً به معنای علاقه حاکمیت دیگر کشورها به این قشر نیست؛ بلکه میزان توجه آنها را به ضرورت آموزش نسل‌ها و کاهش دغدغه‌های معلمان را نشان می‌دهد و صد البته در این راه بر خلاف نظر حاکم در کشور ما هزینه نمی‌کنند بلکه سرمایه‌گذاری می‌کنند. مگر جز این است که یک معلم با وجود دو شیفت تدریس (حدود ۹ ساعت) و بعد از تدریس در انواع کلاس‌های تقویتی کنکور خصوصی و... رمقی برای به روز کردن اطلاعات، توجه بیشتر به دانش‌آموز و... ندارد و تنها می‌شود ماشینی که مدام تکرار می‌کند. دیگر معلم خوبی هم نخواهد بود چه برسد به یک مربی و

حق هم دارد؛ چرا که این عدول از آرمان‌ها اثر وضعی بی توجهی به جایگاه اوست نه زیاده خواهی خود و هم صنفانش در تمام کشورهای پیشرفته دنیا، معلمان جزو طبقه ممتاز جامعه محسوب می‌شوند به طور مثال درآمد یک معلم در انگلستان ۱۱۴ درصد درآمد یک فعال صنعتی است همین مقایسه در هلند رقمی معادل ۱۷۷ درصد در کانادا ۱۶۳ درصد و در ژاپن ۱۸۵ درصد است (کلدی، ۱۳۸۲، ۱۴).

این نسبت در کشور ما معادل ۵۰ درصد است. البته مقایسه را در همین حقوق متوقف می‌کنیم و گرنه در بحث مزایا هم قصه سر دراز دارد چنان که در پاکستان معلمان نمونه برای مطالعه بیشتر و کسب تجربه سفرهای خارجی دارند اما در کشور ما سفر علمی و... که وجود ندارد؛ حتی بر خلاف ارگان‌هایی مثل شرکت گاز وزارت ارتباطات... تسهیلات جزئی هم برای معلمان فراهم نیست و اگر روز سودای سفر به سرشان بزند میتوانند از اقامتی دلنشین در کلاس‌های مدارس شهرهای مختلف که با موکت آذین شده بهره ببرند (حیدری‌فر، ۱۳۹۱، ۲۴-۱۹).

- دلایل پایین بودن منزلت اجتماعی معلمان در ایران

عده‌ای از صاحب نظران دلایل پایین بودن منزلت اجتماعی معلمان در ایران را شامل موارد زیر دانسته‌اند:

- ۱- کمبود درآمد معلم
 - ۲- پایین بودن مقام و اعتبار اجتماعی آنان
 - ۳- سنگینی کار حرفه معلمی
 - ۴- جاذبه و کشش بخش‌های پولساز
 - ۵- بی توجهی به شغل معلمی و ترقی نداشتن آنان
 - ۶- روی کارآمدن بعضی اشخاص ناآگاه و ناوارد نسبت به این شغل.
- این واقعیتی است که سطح درآمد و رفاه معلمان ایران با توجه به هزینه سنگین زندگی در مقایسه با سطح درآمد و رفاه صاحبان سایر حرفه‌ها خیلی پایین است به این دلیل است که اکثر معلمان به دنبال شغل دومی هستند تا نیاز مادی زندگی خود را برآورند (بهمنی، ۱۳۸۰، ۴۰).

اگر معلم از مسائل و مشکلات مادی و رفاهی زندگی آسوده خاطر نباشد نمی‌تواند به آموزش و تربیت فراگیران اشتغال ورزد و با تمرکز حواس که شرط اساسی مطالعه است به گسترش دانش و اندیشه پردازد. جاذبه جنبه‌ی مادی زندگی در جامعه بیشتر افراد را به سوی مشاغل پردرآمد می‌کشاند.

بعضی معتقدند برای بالا بردن مقام اجتماعی معلم کافی است که حقوق و درآمدها افزایش یابد باید گفت که این عقیده فقط تا حدودی درست است چون آنچه به شغل ارزش اجتماعی می‌دهد ویژگی‌های صاحبان آن شغل و کیفیت محصول کار آنهاست. بعضی پژوهشگران پس از مطالعه وضع درآمد معلمان کشورهای اروپایی به این نتیجه رسیدند که تقریباً در تمام کشورها درآمد معلمان معادل درآمد کارگران نیمه ماهر است با این حال شغل معلمی در این کشورها از شغل‌هایی است که از لحاظ منزلت اجتماعی از بیشتر مشاغل بالاتر است (نویدی و برزگر، ۱۳۸۲، ۶۱).

- بررسی وضعیت مالی و معیشتی معلمان

تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که در دوران معاصر وضعیت معیشتی ایران نسبت به دیگر مشاغل جامعه مناسب نبوده است (نویدی و برزگر، ۱۳۸۰، ۷۳). فقر و نداری جامعه معلمان کشور در نظم و نثر نویسندگان و شاعران معاصر و سخنرانی و مصاحبه‌های مسئولان آموزش و پرورش زمان قبل از انقلاب اسلامی انعکاس یافته است که می‌توان شعر آقایی نوابخش است که حدود ۴۳ سال پیش در یکی از غزل‌های اجتماعی خود گفته است به نقل از (بهمنی، ۱۳۸۰) اشاره نمود:

بس که می سوزد زغم جان تو ای آموزگار	زندگی گردیده زندان تو ای آموزگار
خوان علم و معرفت را در جهان گسترده ای	یک هست از نان تهی خوان تو ای آموزگار
زاستین بس گوهر دانش فرو ریزی ولی	فقر بگرفته گریبان تو ای آموزگار
عمر خود را صرف اطفال کسان کردی و نیست	هیچ کس در فکر طفلان تو ای آموزگار
هیچ اقدامی نشد از این مقامات رفیع	بهر اوضاع پریشان تو ای آموزگار

زنده یاد «ابوالقاسم حالت» نیز حدود چهل و چند سال پیش در شعر بی خانمان خود داستان زندگی مستاجری را روای می‌کند که صاحبخانه اثاث زندگی‌اش را بیرون ریخته و شاعر از زبان او گفته است (همان منبع).

نظم این ملک به آن است که بر خاک نشاند	هر که را چون من بی چیز نه ملکی است نه مالی
گرسرانجام شدم خاک نشین بود سزایم	که زآغاز چرا فکر زر و سیم نبودم
کرده خدمت به وطن پیرم و اندر وطن خود	آنقدر جای ندارم که در آنجا به سرآرم

«صادق سرمد» شاعر، روزنامه نگار و حقوقدان نزدیک به نیم قرن پیش به مناسبت نخستین جشن معلم، وضعیت معیشتی معلمان را اینگونه بیان کرده است:

یک نکته لازم است که انگارش	جز با فساد و فتنه ملازم نیست
از فقر کفر زاید و کافر را	اندیشه جز شرور و ذمایم نیست
آموزگار گرسنه البته	خائن اگر نباشد خادم نیست

«علی کنی» در حدود شصت سال پیش از این در مقاله‌ای با عنوان «معلم در دنیا و ایران» بیان می‌کند که باید اعتراف کرد بین کارمندان دولت ایران بدبخت‌ترین طبقات دسته معلمان هستند حال معلمان این کشور سزاوار دلسوزی است، زیرا این رنجبران واقعی از تمام امتیازات محروم مانده و فاقد هرگونه آسایشند. به دفعات دیده و شنیده شده است که اغلب معلمان هستی و حیات خود را بر اثر نرسیدن حقوق از دست داده‌اند در باب آسایش زندگانی معلمان آشکارا می‌بینیم که با نهایت عسرت و سختی زندگانی می‌کنند. این مطلب در مجله ای منتشر می‌شود که مدیر مسئول آن دو دوره در زمان سلطنت پهلوی وزیر آموزش و پرورش بوده است (بهمنی، ۱۳۸۰، ۵۶).

«محمود کیانوش» نویسنده، مترجم و شاعر توانمند کودکان و نوجوانان هم درباره علت استعفایش در سال ۱۳۳۸ پس از ۵ سال معلمی می‌گوید: «حقوق معلمی کفایت هزینه‌های زندگی درویشانه یک معلم متاهل را نمی‌داد» (مختاری، ۱۳۷۳).

«صدیق اسفندیاری» معاون آموزشی وزیر وقت در سال ۱۳۵۶ درخواست وضع قوانینی را کرده که به قول او معلمان مطمئن باشند اگر این شغل را انتخاب کرده اند دست کم می‌توانند از حداقل ضروریات زندگی استفاده کنند. (برزگر و نویدی، ۱۳۸۰).

«توران میرهادی» رئیس مدرسه تجربی فرهاد که از معلمان شناخته شده تهران بود، در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۶۶، تدریس اضافی، کار در شرکت‌های خصوصی و مسافرخشی را از انواع کارهایی که معلمان انجام می‌دهند بر می‌شمارد و با توجه به بدی

شرایط زندگی معلمان می‌گوید: «باید در مورد حقوق و رفاه معلمان خیلی سریع اقدامات قاطع انجام شود». بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز وضعیت معیشتی معلمان ایران رضایت بخش نبوده است شاهد این ادعا سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است که در بخش نقاط ضعف تنگناها و مشکلات یکی از موارد مورد اشاره، «عدم توجه به منزلت و معیشت معلمان و نبود انگیزه کافی برای خدمت در آنان» می‌باشد در بخش راهکارهای اجرایی نیز یکی از راهکارها «ارتقای مقام و منزلت معلم در جامعه با ایجاد انگیزه کافی برای خدمت و تأمین معیشت آنان» ذکر شده است (بهمنی، ۱۳۸۰).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که از مشکلات مهم و چندین ساله معلمان مشکلات مالی ایشان است. برخلاف جار و جنجال‌های تبلیغاتی متأسفانه معلمان در کشور ما در رده بندی حقوقی در پایین‌ترین مراتب قرار دارند واقعیت این است که اکثر معلمان یا بیش از یک شیف‌ت کار می‌کنند یا علاوه بر ساعات موظف به تدریس در مدارس غیرانتفاعی آموزشگاه‌ها و به تدریس خصوصی مشغول می‌شوند تا بتوانند امرار معاش کنند فراوانند معلمان که به کارهایی چون مسافرخشی، فروشندگی، حسابداری، واسطه‌گری و دیگر مشاغلی که دور از شأن رفیع معلمی است مشغولند. برخلاف آمارهای منتشره، واقعیت این است که وزارت آموزش و پرورش از نظر مالی نه تنها کمک نمی‌شوند بلکه هر روز درآمد و بودجه آن کمتر از قبل می‌شود. در کشورهایی چون ژاپن که با داشتن مدارس برتر جهان معروف است بهترین امکانات مالی و رفاهی در سطح کارکنان دولت برای معلمین است. (حضرتی، ۱۳۷۹).

تحقیقی که علیزاده و رضایی در سال ۱۳۸۸ نیز انجام دادند که پنجاه مشاغل از نظر منزلت اجتماعی و درآمد با هم مقایسه شدند، رتبه معلم متوسطه ۳۱ و معلم ابتدایی ۳۵ بوده است و همچنین نشان داده است که منزلت اجتماعی حرفه معلمی در سه دهه اخیر (۱۳۵۶ تا ۱۳۸۵) کاهش چشمگیری داشته که بیشترین کاهش در دهه‌های ۷۰ و ابتدای ۸۰ رخ داده است که مشکلات اقتصادی در پدید آمدن این وضعیت نقش بسزایی داشته‌اند؛ چون معلمان در ابتدای سال ۸۰ راهپیمایی‌ها و اعتراضاتی را برای مطالبه حقوق و بهبود معیشتشان انجام دادند این مسئله به رغم خصوصیت ناپایدار و زودگذری که داشت چنان پر سرو صدا بود که در فضای سیاسی کشور و افکار عمومی را برانگیخت و تأثیر آن در اذهان شهروندان تهرانی برجای ماند (علیزاده و رضایی، ۱۳۸۸، ۱۹-۲۳).

بر مبنای نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو^۱ کارکنان بر پایه سطوح پنج گانه نیازها برانگیخته می‌شوند چنانچه این نیازها با توجه به موقعیتی که دارند برآورده شود، رضایت شغلی ایجاد می‌شود این نیازها به ترتیب اولویت عبارتند از نیازهای فیزیولوژیک نیاز به امنیت نیازهای، اجتماعی نیاز به احترام و نیاز به خودشکوفایی (لوزیر، ۱۹۹۶، ۱۳۳؛ به نقل از معیدفر و ذهاتی، ۱۳۸۴، ۱۴۰). به نظر هرزبرگ^۲، انسان دو دسته نیاز متفاوت دارد که اساساً مستقل از یکدیگرند و به روش‌هایی متفاوتی رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهند، او طبقه اول نیازها را عوامل بهداشتی^۳ نامید، زیرا این نیازها محیط انسان را توصیف می‌کنند و کار اصلی آنها ممانعت از نارضایتی شغلی است، ضمن آنکه مانع عوارض ناشی از کم کاری و تحدید کار می‌شوند، او، دومین طبقه از نیازها را برانگیزنده^۴ نامید. این دسته از نیازها با رضایت افراد از شغلشان در ارتباطند (کینون، ۲۰۰۵؛ به نقل از لهسایی زاده و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۳) عوامل موثر در ایجاد نارضایتی شغلی از دیدگاه هرزبرگ عواملی هستند که نسبت به شغل جنبه خارجی دارند؛ مانند خط مشی‌های مدیریت سازمان، سرپرستی شرایط کار، روابط متقابل افراد، پول، مقام و امنیت.

1. Maslow

2. Herzberg

3. Hygiene factorg

4. Motivators

به هر حال، حقوق معلمان به ندرت با نرخ تورم هماهنگ بوده است بطوری که وقتی افزایش داده می‌شود تاثیر آن روی انگیزش معلمان منفی است. تنزل وضع اجتماعی حرفه معلمی نیز با کاهش نسبی قدرت خرید در ارتباط است. نشانه فقدان موقعیت اجتماعی معلمان این حقیقت است که فارغ التحصیلان پسر می‌خواهند حداقل در سطح ابتدایی وارد حرفه آموزشی نشوند. در بعضی از کشورها معلمی بیشتر به عنوان حرفه زنان در نظر گرفته می‌شوند و درآمد حاصله به عنوان افزایش اضافی برای خانواده منظور می‌شود این تنزل وضع اجتماعی حرفه آموزشی بر کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته هر دو تاثیر می‌گذارد. در کشورهای در حال توسعه حقوق معلمان کاهش یافته است. این امر پدیده‌ای تازه‌ای نیست اما در سال‌های اخیر به علت کاهش متوالی بودجه و بحران‌های اقتصادی تسریع شده است ناظران به خوبی آگاه هستند که معلمان برخی از کشورها در تمام سطوح بجای پرداختن به امر آموزش بیشتر نگران تامین معاش خود می‌باشند و هرگاه ممکن باشد به شغل دوم یا سوم مشغول می‌شوند. در چنین ضایعاتی حتی اگر به وسیله ترفیعات افزایش‌ها یا نوعی پرداخت تخفیف داده شود. تاثیر منفی آن روی انگیزش معلمان زیاد بوده است. این تلاش‌های معلمان برای جبران درآمدهای پایین و غیرواقعی در آنها، درحقیقت بازتابی از ناتوانی نظام آموزش و پرورش در تامین درآمد مکفی برای معلمان و کارکنان خود است (قادرزاده و فرجی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱). در واقع مسئله دو شغله بودن در معلمان زمانی روی می‌دهد که شکافی بین میزان درآمد و انتظارات معلمان ایجاد شود و آنان را وادار به تلاش مضاعف برای کسب درآمد بیشتر کند (نصیری پور و همکاران ۱۳۹۱، ۲۸۹). در سند تحول بنیادی آموزش و پرورش در فصل هفتم دو راهکار برای تغییر وضعیت کنونی معلمان مدنظر قرار گرفته است ارتقای منزلت اجتماعی و جایگاه حرفه‌ای منابع انسانی با تاکید بر نقش الگویی و جایگاه معلم و برقراری الگویی جبران خدمت و تامین رفاه انسانی در خور منزلت فرهنگیان با توجه به لزوم تمام وقت شدن آنان (شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۹۰، ۲۳) ناگفته پیداست که سقوط تدریجی اعتبار و منزلت معلم در اجتماع سبب کاهش کارآمدی نظام تعلیم و تربیت می‌شود. به همین دلیل ایجاد فرصت‌هایی برابر جهت دستیابی بهشان و منزلت واقعی معلم باید دغدغه کارگزاران رسمی تعلیم و تربیت باشد.

در اکثر کشورهای در حال توسعه، سه عامل عمده باعث شده تا افراد با کفایت کمتر به شغل معلمی روی آورند:

۱- پایین بودن سطح حقوق و دستمزد ۲- شرایط کار معلم ۳- موقعیت اجتماعی آنان (قادرزاده و فرجی، ۱۳۹۳، ۱۲۲).

ابتدا آن که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه سطح حقوق و دستمزد معلم به طور نسبی پایین تر از مشاغل دیگر است. این وضعیت باعث می‌شود که افراد با کفایت کمتر جذب معلمی شوند. طبق آمار و ارقام در کشورهای در حال توسعه هر سال عده کثیری از معلمان به علت پایین بودن حقوق و در نهایت پایگاه و مرتبه اجتماعی پایین تغییر شغل می‌دهند، در حالی که در کشورهای توسعه یافته حقوق معلم در شرایط مساوی و مشابه بالاتر از سایر مشاغل است و معلمان از تامین شغلی قابل توجهی برخوردار هستند (جی‌واد، ۱۳۷۴؛ به نقل از خدایاری و یوسفوند، ۱۳۹۳).

وضعیت فعلی معیشتی و رفاهی فرهنگیان از دو جهت ضربات جبران ناپذیری بر آموزش و پرورش وارد می‌سازد؛ اول آن که انگیزه و حتی امکان فعالیت همه جانبه متعهدانه و ایثارگرانه را از نیروهای موجود در آموزش و پرورش سلب می‌کند و علاوه بر ناامیدی و دلسردی آنان ممکن است آنان را وادار به فعالیت‌های دیگری نیز نماید. دوم کاهش و حتی از میان رفتن انگیزه افراد در پیوستن به این بخش زیربنایی و انسان ساز جامعه است (شاهد، ۱۳۷۹؛ به نقل از نویدی و برزگر، ۱۳۸۲، ۶۳).

بنابر آنچه بیان شد اصلاح مدیریت حقوق و دستمزد و رعایت عدالت در پرداخت‌ها ضرورتی اجتناب ناپذیرست. اصولاً منزلت اجتماعی معلمان با وضعیت معیشتی و حقوق درآمد آنان گره خورده است و میزان حقوق و دستمزد دارندگان یک شغل بیانگر جایگاهی است که جامعه برای آن شغل قائل است حقوق و دستمزد متناسب برای کارهای مختلف باید متناسب با طرز و نوع

کار افراد باشد. مضافاً مشاغل موجود در ارتباط با یکدیگر از نظر اهمیت مسئولیت مشکلات کاری و خودسازی شاغلین قبل از اشتغال باید مورد توجه باشد در تعیین حقوق و دستمزد شاخص قیمت‌ها سطح زندگی قوانین موضوعه و ارتباط با کار بایستی مورد توجه نیروی انسانی سازمان‌ها قرار گیرد. اثر بخش نگه داشتن کارکنان از طریق تقویت روحیه آنان، عامل عمده‌ای به شمار می‌رود. بنابراین ایجاد و به کارگیری نظام‌های متناسب و رضایت بخش حقوق و دستمزد از ضروریات سازمان‌ها و از وظایف اصلی مدیریت نیروی انسانی است پس در اختصاص حقوق و دستمزد بهتر است که همه جوانب و راه‌های موجود سنجیده شود و سپس اقدام گردد. حقوق و دستمزد کارکنان لازم است همه ساله مورد تجدید نظر قرار گرفته و اصلاحاتی در آن به عمل آید لازم به ذکر است که در حقوق کارکنان علاوه بر ملاک‌های معین می‌تواند جنبه تشویق و ترغیب را دارا باشد (عسگریان، ۱۳۷۰، ۱۰۴).

- توصیه نامه یونسکو مربوط به مقام و منزلت معلم

توصیه‌نامه مربوط به مقام و منزلت معلم در تاریخ ۵ اکتبر ۱۹۶۶ در شهر پاریس و پس از کنفرانس بین‌المللی ویژه مقام و منزلت معلم تهیه شده است. این توصیه‌نامه با در نظر گرفتن موارد زیر در ۱۳ فصل و ۱۴۶ بند تهیه شده است. لازم به ذکر است که حق آموزش یک حق انسانی و بنیادی و باشد. حیاتی می‌باشد.

- امنیت شغلی

(۴۵) - به منظور علاقه مند شدن معلمان به آموزش و پرورش استخدام رسمی و امنیت شغلی ضروری می‌باشد معلمان باید در مقابل تغییرات درون سازمانی یا مدارس حمایت شوند.

(۴۶) - معلمان باید در مقابل تحریکات برونی و بدون دلیل افراد ذی نفوذ که موقعیت حرفه‌ای و شغلی آنها را مورد تهدید قرار می‌دهد، حمایت شوند.

- چگونگی فعالیت‌های مؤثر تدریس و یادگیری

(۸۵) - از آنجائیکه معلم یک متخصص معتبر و شایسته در کار می‌باشد باید به منظور پرهیز از تحلیل قوای جسمانی و هدر رفتن وقت معلم، سازماندهی و حمایت لازم صورت پذیرد.

(۸۶) - اندازه‌ی کلاس باید به گونه‌ای باشد که معلم بتواند به فرد دانش‌آموزان رسیدگی کرده و توجه خاص مبذول دارد برای کلاس‌هایی که تعداد دانش‌آموزان کم می‌باشد و یا تعلیم به صورت خصوصی است این، کلاس مناسب می‌باشد اما برای مواردی که تعداد دانش‌آموزان زیاد می‌باشد باید از وسایل سمعی بصری استفاده نمود و از آنها کمک گرفت.

- پرسنل کمکی (دستیار)

(۸۷) - مدارس باید با هدف توانمند ساختن معلمان و تشدید دقت آنها در انجام وظایف حرفه‌ای شان از کارمندان کمکی استفاده کنند این کارمندان وظایفی غیر از تدریس را بر عهده دارند.

- وسایل کمک آموزشی

- (۸۸) - (الف) - مسئولین باید وسایل کمک آموزشی مجهز جهت تدریس دانش‌آموزان و معلمان فراهم سازند. وسایل کمک آموزشی را نباید به عنوان جانشین معلم قلمداد کرد بلکه به عنوان شیوه‌ای جهت پیش برد کیفیت آموزش و توسعه‌ی آموزش به تعداد کثیری از دانش‌آموزان در نظر گرفت.
- (ب) - مسؤولین باید پژوهش‌های مبتنی بر به کارگیری وسایل کمک آموزشی را ترویج دهند و معلمان را به مشارکت فعال در چنین پژوهش‌هایی ترغیب کنند.

- ساعات کار

- (۸۹) - ساعات کار موظفی معلمان در روز و هفته باید با مشورت سازمان معلمان تعیین گردد.
- (۹۰) - در تعیین ساعات، تدریس عوامل زیر را که با سختی کار معلم مرتبط است از سایر موارد باید جدا دانست.
- (الف) - تعداد دانش‌آموزانی را که معلم در روز و هفته با آنها موظف است کار کند.
- (ب) - نیاز به فراهم ساختن وقت جهت برنامه‌ریزی مکفی و آماده سازی درسی و ارزشیابی شغلی.
- (پ) - تعداد دروس مختلفی را که هر روز جهت تدریس تعیین می‌شود.
- (ت) - میزان وقتی را که معلم صرف مشارکت در تحقیق در برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های فوق برنامه و یل در مسئولیت‌های نظارتی و مشاوره‌ی دانش‌آموز می‌کند.
- (ث) - اهمیت تدارک موقعیتی که معلمین در صورت امکان پیرامون پیشرفت دانش‌آموز گزارش تهیه کنند و با والدین مشورت کنند.

- عوامل موثر در ارتقای منزلت اجتماعی معلم

جامعه ایران جامعه‌ای در حال گذار از وضعیت سنتی به مدرن است که به تبع آن ارزش‌ها و باورها نیز در حال تغییر و دگرگونی است. همچنین حاکم بودن ارزش‌هایی چون قناعت باعث می‌شد افرادی که با عشق به دانایی تدریس می‌کردند در مقایسه با کسانی که درآمد برایشان مهمتر بود جایگاهی رفیع تر نزد جامعه داشته باشند این فرایند عامل خوشبختی و منزلت بالای معلم بود زیرا ارزش‌های جامعه جایگاه معلم را در جامعه تضمین می‌کرد اما با ورود به دوران جدید خوشبختی با مفهومی سنتی تفاوت پیدا کرد حال با توجه به گذر جامعه ما به مدرنیته که گاه با تغییر پاره‌ای ارزش‌ها و هنجارهای سنتی همراه است چنین جوامعی نه مدرن‌اند نه سنتی ست شدن پایگاه معلمان را نیز می‌توان یکی از پیامدهای این گذار تلقی کرد. بنابراین اصلاح نگرش جامعه به آموزش و پرورش یکی از مهمترین راهبردها برای افزایش منزلت اجتماعی معلمان قلمداد می‌شود. با نگاهی به سلسله مراتب مازلو می‌توان پی برد که هنوز بسیاری از معلمان جامعه از عهده نیازهای فیزیولوژیکی خود بر نیامده‌اند و در تهیه نان و مسکن و پوشاک خود عاجزند؛ بنابراین انتظار نمی‌رود که انگیزه‌ای برای رسیدن به مرحله بالاتر از تأمین نیازهای اولیه خود داشته باشند مشکلات معیشتی باعث می‌شود او و خانواده‌اش احساس حقارت کنند. معلم محتاج مجبور است شغل دوم و سوم پیدا کند چنین شخصی وقت نیز حوصله کافی برای شغل اصلی خود نخواهد داشت و نیز دست زدن به شغل‌هایی دون شأن او باعث تضعیف عزت درونی و منزلت اجتماعی او خواهد شد. تحقیقی که توسط نوپادهم و شفیع زاده (۱۳۹۳) انجام شد نشان داد که ارج نهادن به ارزش‌های حرفه معلمی در جامعه و قدردانی مادی و معنوی از معلمان یکی از

عوامل تأثیرگذار بر منزلت معلمان است علاوه بر این از نظر معلمان فراهم کردن زمینه مشارکت معلمان در فعالیتهای اجتماعی- فرهنگی جامعه و اولویت دادن به تعلیم و تربیت در کنار موضوعات مهم و کلان کشوری نیز در افزایش منزلت اجتماعی معلمان تأثیر زیادی دارد آموزش و پرورش به منزله قلب پیکره جامعه است که موجب می‌شود بخش‌های دیگر جامعه رشد و پیشرفت کنند. با مطالعه سرنوشت کشورهای پیشرفته متوجه نقش آموزش و پرورش در ارتقای بخش‌های دیگر کشور می‌شویم اما نکته مهم این است که اهمیت تعلیم و تربیت به عوامل آن بر میگردد و در میان عوامل آموزش و پرورش «معلم» مهمترین عامل تلقی می‌شود در واقع مهمترین وسیله رسیدن به اهداف آموزش و پرورش معلم پویاست. معلمان که در فرایند تعلیم و تربیت مجریان خط مقدم برنامه‌های آموزش و پرورش هستند با دانش و مهارتی که کسب کرده اند موجبات رشد و بالندگی فراگیران را فراهم می‌آورند. همان گونه که پیامبر اکرم (ص) معلمان را ستارگان آسمان میدانند که راه را به مردم نشان می‌دهد. اما یکی از عوامل مهم در اجرای شایسته نقش معلمان انگیزه قوی آنهاست و از عوامل مهم در برانگیخته شدن انگیزه معلمان این است که معلمان منزلت اجتماعی بالایی داشته باشند در واقع در رهگذر تعلیم و تربیت هر قدر معلم محبوبیت بیشتری داشته باشد تأثیرگذاری پایدارتری نیز خواهد داشت همچنین تقویت منزلت اجتماعی معلمان یکی از حساس‌ترین وظایف آموزش و پرورش است.

با توجه به تأثیر فراوان متغیرهای فرهنگی - اجتماعی در منزلت اجتماعی معلمان پیشنهاد می‌شود که زمینه مشارکت بیشتر معلمان به ویژه معلمان با میزان تحصیلات بالاتر در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی جامعه مثل حضور در سمینارها و همایش‌ها و نیز ارج نهادن مادی و معنوی به حرفه معلمی بیش از گذشته در نظر گرفته شود.

با توجه به مطالبی که در فوق گفته شد می‌توان عوامل موثر بر ارتقای منزلت اجتماعی معلم شامل موارد زیر دانست:

- ۱- ایجاد و تقویت تشکل‌های صنفی معلمان
- ۲- فراهم کردن زمینه مشارکت معلمان در فعالیتهای فرهنگی اجتماعی جامعه
- ۳- جذب نیروهای علاقه‌مند به حرفه معلمی و تلاش برای حفظ و نگهداری از آنها
- ۴- احساس نقش الگویی و تربیتی معلم در جامعه
- ۵- روشن بودن اهمیت کار معلم برای جامعه
- ۶- افزایش اعتماد عمومی بین معلمان و مسئولان آموزش و پرورش
- ۷- فراهم کردن زمینه دستیابی معلمان به مدارج علمی بالاتر
- ۸- اولویت دادن به تعلیم و تربیت در کنار موضوعات مهم و کلان کشور
- ۹- اصلاح نگرش جامعه درباره مصرف کننده بودن آموزش و پرورش
- ۱۰- ارج نهادن به ارزش‌های حرفه معلمی در جامعه و قدردانی مادی و معنوی از معلمان
- ۱۱- تقویت خودباوری و استقلال در معلمان
- ۱۲- اهمیت دادن به نظرات معلمان در سیاستهای کلان
- ۱۳- ارتقای منزلت اجتماعی تربیت معلم (نویدادهم و شفیع زاده، ۱۳۹۳، ۱۸۹).

بحث و نتیجه گیری

منزلت اجتماعی از دیدگاه جامعه شناسان تعاریف گوناگونی دارد که به آن اشاره می‌شود. آلن بیرو در تعریف و توصیف منزلت اجتماعی آورده است "از نظر لغوی این لغت به توهمات اطلاق می‌شود منبعت از جادو و یا پدیده هایی که عجیب به نظر می‌رسند، اعتبار اجتماعی (منزلت)، نفوذ و اعتباری است که دیگران به شخصی به جهت خصایص گوناگون و کم و بیش واقعی که به او منتسب می‌دارند، می‌بخشند".

نظریه پردازانی همچون دورکیم (۱۹۱۲)، پارسونز، (۱۹۵۲)، گیدنز (۱۹۸۹)، با دقت به ماهیت منزلت اجتماعی و شناسایی و معرفی عوامل مؤثر (میزان درآمد افراد، تحصیلات، مسکن و دیگر عوامل در منزلت اجتماعی افراد اثر گذار است؛ اما میزان پذیرش همین شغل و درآمد و تحصیلات افراد از نگاه مردم در طبقه بندی و سلسله مراتب اجتماعی، نقش بسزایی در تعیین حیثیت اجتماعی کنشگران اجتماعی دارد) بر آن بر آمده‌اند. این اندیشمندان جامعه شناس، اغلب منزلت اجتماعی را مترادف پایگاه اجتماعی تلقی می‌کنند که فرد در گروه با استناد به مرتبه و موقعیت اجتماعی یک گروه، آن را کسب می‌کند و بر اساس آن از برخی مزایا و ویژگی‌ها، برخوردار می‌گردد. لیکن مؤلفان و محققان متاخر منزلت اجتماعی را نوعی شان اعتبار عزت و احترام می‌دانند که جامعه برای افراد یک گروه، نهاد و یا برای شغل قائل هستند.

از دیدگاه جامعه شناسی این اصطلاح به عنوان رتبه پایگاه و موقعیت اجتماعی اشخاص، گروه‌ها و سازمان‌ها در مقایسه با یکدیگر به کار می‌رود.

ملوین تامین^۱، منزلت را ارزشی می‌داند که یک جمع (جامعه گروه یا سازمان) برای یک نقش اجتماعی قائل است و یا مقام فرد یا گروه با توجه به توزیع شان (حیثیت) در یک نظام اجتماعی را منزلت می‌نامد. منزلت اجتماعی نوعی ارزیابی است که بر پایه معیارهای ارزش اجتماعی معتبر در جامعه از پایگاه اجتماعی یک شخص در ذهن دیگران به عمل می‌آید و نشان می‌دهد که پایگاه شخص نسبت به اشخاص دیگر در فضای اجتماعی کجاست.

جامعه شناسان پایگاه اجتماعی را معادل "Social Status" به کار می‌برند و معتقدند که شاخص‌های آن شامل شغل، تحصیلات و میزان درآمد می‌باشد. در واقع منزلت اجتماعی معادل "Social Prestige" متفاوت از پایگاه اجتماعی افراد می‌باشد این مفهوم در دو معنی به کار می‌رود:

- ۱- شهرت، اعتبار، وجهه، آبرو، حیثیت، پرستیژ، حیثیتی، اعتباری
- ۲- پرستیژ، برای کسب اعتبار. که برخی اندیشمندان معادل این اصطلاح را آبروی، اجتماعی شان اجتماعی، حیثیت اجتماعی و اعتبار اجتماعی دانسته‌اند. منزلت اجتماعی بیشتر به جنبه ذهنی شان و منزلت افراد از دیدگاه جامعه بر می‌گردد. این که شان و منزلت فرد در مقایسه با افراد دیگر تا چه اندازه می‌باشد، بیشتر تحت تاثیر نگاه مردم جامعه قبيله گروه و غیره نسبت به فرد است.

لذا در راستای تعاریف منزلت اجتماعی از دیدگاه جامعه شناسان، برای این که معلمان به عنوان یکی از ارکان اصلی آموزش و پرورش بتوانند نقش خویش را به خوبی ایفا کنند باید از منزلت و پایگاه اجتماعی شایسته ای برخوردار باشند چنان چه پیازه می‌گوید زیباترین طرح اصلاح و بازسازی نظام آموزشی در صورتی که معلم به تعداد کافی و با کیفیت مطلوب در اختیار نباشد، با شکست روبرو خواهد شد. اگر باور عمومی بر این باشد که "بهترین‌ها، بهترین‌ها را می‌سازند" به پایگاه اجتماعی معلمان اهمیت فوق العاده‌ای داده خواهد شد. معلمی که از پایگاه اجتماعی بالا برخوردار است، می‌تواند الگویی مناسب برای

¹. Melvin Tomien

دانش‌آموزان باشد. بر اساس مطالعات انجام گرفته در کشورهایی که از لحاظ آموزشی پیشرفته در معلمان از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردارند و شمار داوطلبان این شغل بیشتر از مشاغل دیگر است چنان چه در ژاپن اعتقاد دارند که شایستگی نظام آموزشی به اندازه شایستگی معلمان آن است. تحقیقات نشان می‌دهد که تقریباً در تمام کشورهای اروپایی معلمان از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردارند. در حالی که در ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه معلمان نه تنها به شغل خود افتخار نمی‌کنند بلکه احساس سرشکستگی نیز می‌کنند همچنین، این نگرش در جامعه ایجاد شده که اغلب افرادی که به حرفه معلمی روی می‌آورند، در تصدی مشاغل دیگر توفیقی نیافته یا سرمایه‌ای برای فعالیتهای اقتصادی و تجاری نداشته‌اند. در چنین شرایطی استقبال نکردن فارغ‌التحصیلان و جوانان از شغل معلمی چندان باعث تعجب نیست، این وضعیت سبب روی گردانی افراد با هوش و مستعد از شغل معلمی، افت کیفیت، آموزشی، ناکامی نظام آموزش و پرورش در نتیجه برون داد و محصول نامناسب می‌شود در نتیجه این موضوع محور بحث مجامع بین الملل قرار گرفته است. چنانچه در اکثر کشورهای جهان معلمان از پایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار نیستند و در گزارشی از یونسکو به نحو متقاعد کننده‌ای استدلال شده که آنچه در حال حاضر در اکثر کشورها از معلمان انتظار می‌رود با پاداش‌ها و حقوقی که دریافت می‌کنند تناسبی ندارد. بنابراین میتوان گفت بزرگداشت معلمان و شناسایی عوامل مؤثر در آن جهت اعتلای پایگاه اجتماعی آنان به اندازه خود تعلیم و تربیت حائز اهمیت است. متأسفانه در کشور ما نیز مسئله ارتقای اجتماعی معلمان به عنوان یک شعار درآمده و هر مقام مسئول در موقعیتهایی که قرار می‌گیرد شروع به دادن شعار در موردشان و منزلت اجتماعی معلمان می‌کند و اینکه باید فلان کار و امتیاز را باید برای معلمان انجام داد اما در عمل کاری مشاهده نمی‌شود و وقتی همکاران شروع به گلایه از موقعیت شغلی خود در مقایسه با سایر مشاغل در جامعه می‌کنند بیشترین جوابی که با آن روبرو می‌شوند این است که آموزش و پرورش یک نهاد و سازمان مصرفی است و تا زمانی که این نگرش به آموزش و پرورش وجود دارد نه انتظار افزایش شان و منزلت اجتماعی معلمان را، و نه انتظار تحولی جدید در نظام آموزش کشور را باید داشت. اصولاً پیشرفت در چنین جامعه‌ای هم حرکت لاک پشتی خواهد داشت.

پیش از پرداختن به تعریف این متغیر ابتدا باید تعریفی روشن از دو مفهوم منزلت و منزلت اجتماعی را دانست در یک جا "منزلت" چنین تعریف شده است منزلت مقام فرد یا گروه با توجه به توزیع شأن (حیثیت) در یک نظام اجتماعی است و در تعریفی دیگر منزلت ارزشی است که یک جمع برای یک نقش اجتماعی قائل‌اند اما در تعریف منزلت اجتماعی بعضی گفته‌اند که منزلت اجتماعی، یک ارزیابی است که بر پایه معیارهای ارزش اجتماعی معتبر در جامعه از موقعیت یک شخص در ذهن دیگران به عمل می‌آید و نشان می‌دهد که موقعیت یک شخص نسبت به اشخاص دیگر در "فضای اجتماعی" کجاست بعضی دیگر نیز "منزلت اجتماعی" را چنین تعریف کرده‌اند منزلت اجتماعی، وضع فرد یا گروه در یک نظام اجتماعی است با انتظار متقابل عمل از دارندگان وضعیتی دیگر در چارچوب یک ساخت واحد. با توجه به تعریفهای مطرح شده می‌توان به تعریفی گویا و روشن از منزلت اجتماعی معلمان به شرح زیر دست یافت منزلت اجتماعی معلمان ارزش یا مقامی است که آنها از جهت شأن حیثیت و اعتبار در جامعه ایران از آن برخوردارند.

در ادامه به علت پایین بودن مقام معلمی در ایران

۱. کمبود درآمد معلم
۲. پایین بودن مقام و اعتبار اجتماعی آنان
۳. سنگینی کار حرفه معلمی

۴. جاذبه و کشش بخش‌های پولساز

۵. بی‌توجهی به شغل معلمی و ترقی نداشتن آنان

۶. روی کارآمدن بعضی اشخاص ناآگاه و ناوارد نسبت به این شغل.

این واقعیتی است که سطح درآمد و رفاه معلمان ایران با توجه به هزینه سنگین زندگی در مقایسه با سطح درآمد و رفاه صاحبان سایر حرفه‌ها خیلی پایین است به این دلیل است که اکثر معلمان به دنبال شغل دومی هستند تا نیاز مادی زندگی خود را برآورند.

اگر معلم از مسائل و مشکلات مادی و رفاهی زندگی آسوده خاطر نباشد نمی‌تواند به آموزش و تربیت فراگیران اشتغال ورزد و با تمرکز حواس که شرط اساسی مطالعه است به گسترش دانش و اندیشه بپردازد. جاذبه جنبه‌ی مادی زندگی در جامعه بیشتر افراد را به سوی مشاغل پردرآمد می‌کشاند. هم‌چنین به نقل از حجازی (۱۳۹۱) دلایل دیگری برای پایین بودن منزلت اجتماعی معلمان در ایران وجود دارد که عبارتند از:

۱. جوانان مستعد و علاقه‌مند از شغل معلمی استقبال نمی‌کنند و اگر هم به این شغل روی می‌آورند، از روی ناچاری و وجود بیکاری در جامعه است.

۲. در تعاملات اجتماعی و روابط بین فردی، رفتار مردم و حتی دانش‌آموزان با معلمان ترحم آمیز و گاهی تحقیرآمیز است.

۳. رسانه‌های گروهی که نماینده واقعی افکار مردم محسوب می‌شوند - به ویژه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران - معلمان را افرادی محبوب و در عین حال فقیر و محروم نشان می‌دهند.

۴. شاخص‌های منزلت اجتماعی سطح تحصیلات دانش، تخصص و صلاحیت‌های حرفه‌ای، طبقه اجتماعی، حقوق و مزایا و برخورداری از امکانات زندگی و فرصت‌های (مختلف) در میان معلمان نسبتاً پایین.

۵. خودپنداره، مثبت اعتماد به نفس و پذیرش خویشتن که نوعی بازتاب منزلت اجتماعی تلقی می‌شود در میان معلمان مرد نسبتاً پایین است.

طبق یافته‌ها و نتایج کشورهای که در آن معلمان منزلت و پایگاه بالایی دارند، عبارت‌اند از: چین، یونان، ترکیه و کره جنوبی. در مقابل، کشورهای که در آن معلمان از منزلت اجتماعی پایینی برخوردارند عبارت‌اند از: برزیل، جمهوری چک و ایتالیا. هم‌چنین فنلاند از جمله کشورهایی است که نظام آموزشی مطلوبی در میان سایر کشورها دارد. یافته‌های دیگر نشان می‌دهند که در کشور کره جنوبی ۵۵ درصد از شهروندان فکر می‌کنند که دانش‌آموزان به معلمان احترام نمی‌گذارند، این در حالی است که ۷۵ درصد از مردم چین اعتقاد دارند که دانش‌آموزان به معلمان خود احترام می‌گذارند.

پیشنهادات تحقیق

- ایجاد و تقویت تشکل‌های صنفی معلمان
- فراهم کردن زمینه‌ی مشارکت معلمان در فعالیتهای فرهنگی اجتماعی جامعه
- جذب نیروهای علاقه‌مند به حرفه معلمی و تلاش برای حفظ و نگهداری از آنها
- احساس نقش الگویی و تربیتی معلم در جامعه
- روشن بودن اهمیت کار معلم برای جامعه
- افزایش اعتماد عمومی بین معلمان و مسئولان آموزش و پرورش

- فراهم کردن زمینه دستیابی معلمان به مدارج علمی بالاتر
- اولویت دادن به تعلیم و تربیت در کنار موضوعات مهم و کلان کشور
- اصلاح نگرش جامعه درباره مصرف کننده بودن آموزش و پرورش
- ارج نهادن به ارزش‌های حرفه معلمی در جامعه و قدردانی مادی و معنوی از معلمان، تقویت خودباوری و استقلال در معلمان
- اهمیت دادن به نظرات معلمان در سیاست‌های کلان
- ارتقای منزلت اجتماعی تربیت معلم.

منابع

۱. حجازی، الهه، صادقی، ناهید، خاکی، سکینه خاتون، رابطه نگرش شغلی، احساس کارآمدی و کارآمدی جمعی با تعهد شغلی معلمان، ۱۳۹۱، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال ۱۱، شماره ۴۲.
۲. خورشیدی، عباس، مقدمه ای بر توسعه اقتصادی، ۱۳۷۰، تهران، نشر پرهام.
۳. خدا بنده لو، سعید، جامعه شناسی قشرها و نابرابریها، ۱۳۷۲، مشهد، جهاد دانشگاهی مشهد.
۴. خلیل زاده، نورالله، بررسی عوامل مؤثر در رضایت و عدم رضایت شغلی دانشجو معلمان دانشگاه پیام نور ارومیه، ۱۳۷۵، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
۵. خاکی، غلامرضا، روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، ۱۳۷۸، تهران، مرکز تحقیقات علمی کشور.
۶. خادمی، حسن، فخر زاد، محمد باقر، کاظم اکرمی، محمد، اولویت بندی عوامل انگیزشی کارکنان با هدف افزایش بهره وری، ۱۳۸۹، فصلنامه مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت، زمستان، شماره ۱۳.
۷. دیویس، کیت، نیو استروم، جان، رفتار انسانی در کار (رفتار سازمانی) ۱۳۷۰، ترجمه محمد علی طوسی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۸. درویش، حسن، بررسی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی کارکنان (رویکردی، تحلیلی، پژوهشی)، ۱۳۸۶، فصلنامه فرهنگ مدیریت، شماره شانزدهم.
۹. رابینز، استیفن. پی، رفتار سازمانی، مفاهیم، نظریه‌ها، کاربردها، ۱۳۷۸، ترجمه، علی پارسائیان و مهدی اعرابی. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۰. رفیع پور، ف، آناتومی جامعه، ۱۳۷۸، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۱. رضائیان، علی؛ مدیریت رفتار سازمانی، ۱۳۸۰، چاپ دوم، تهران، سمت.
۱۲. زارعی، جواد، بررسی ارتباط میان تعهد سازمانی و رضایت شغلی مدیران و معلمان مرد تربیت بدنی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بو علی سینا همدان.

۱۳. سام آرام، عزت ا.، وقائم پور، محمدعلی، سنجش منزلت اجتماعی معلمان در بین دانش آموزان، ۱۳۹۰، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۴.
۱۴. سرمد، غلامعلی، کریمزاده، صمد و کولیوند، معصومه، بررسی منزلت اجتماعی معلمان از دیدگاه دانش آموزان دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه، ۱۳۹۰، فصلنامه پژوهش اجتماعی، شماره ۱۱.
۱۵. سجادی، محمد باقر، بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و رضایت شغلی کارکنان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۱، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۶. سروستانی، رحمت ا.، هاشمی، ضیاء، گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، ۱۳۸۱، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، شماره ۲۰.
۱۷. ساعتچی، م.، بررسی رابطه‌ی میان انگیزه‌ی شغلی مدیران، رضایت شغلی و تعهد سازمانی (دبیران) مقطع متوسطه‌ی شهرستان مرودشت، ۱۳۷۲، فصل‌نامه رهیافتی نو در مدیریت آموزش. سال اول، شماره دوم.
۱۸. سرندی، پ و مانی آ.، بررسی تاثیر عوامل درونی و بیرونی بر رضایت شغلی و سلامت جسمانی کارکنان شرکت گاز استان آذربایجان شرقی. ۱۳۸۵، منتشر نشده.
۱۹. سپهر نیا، ر، طراحی و تدوین الگوی اندازه‌گیری سرمایه فرهنگی در ایران مورد کاوی باشگاه پژوهشگران جوان، ۱۳۸۷، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
۲۰. سفیری، خدیجه، جامعه‌شناسی اشتغال زنان، ۱۳۷۷، سایت تبیان.
۲۱. ساینگتون، اندرو؛ بهداشت روانی، ۱۳۷۹، حمیدرضا حسین شاهی برواتی، چاپ اول، تهران، نشر روان.
۲۲. شفیع آبادی، عبدا..، راهنمایی تحصیلی و شغلی، ۱۳۷۲، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۳. شفیع آبادی، عبدا..، راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای، ۱۳۷۲، تهران، نشر رشد.
۲۴. شفیع آبادی، عبدا..، راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخابات شغل، ۱۳۶۹، تهران، انتشارات رشد.
۲۵. شفیع آبادی، عبدا..، و جمعی از همکاران، علوم تربیتی (ماهیت و قلمرو آن)، ۱۳۸۰، تهران، نشر سمت.
۲۶. شفیع آبادی، عبدا..، راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای، ۱۳۸۱، تهران، انتشارات رشد، چاپ پنجم.
۲۷. شفیع آبادی، عبدا..، خلیج اسدی، شددیده، بررسی رابطه بین رضایت شغلی با سلامت روانی کارکنان شاغل دانشگاه، ۱۳۸۸، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۸. شریعت نیا، کاظم، بررسی ارتباط رضایتمندی شغلی با عزت نفس معلمان مدارس تهران، ۱۳۷۳، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۹. شکر کن، حسین، روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، ۱۳۷۰، تهران، سروش.
۳۰. صفاری، پویا، ایازی، صمد و دعایی، محمد علی، بررسی عوامل مرتبط با رضایت شغلی و رابطه آن با جو سازمانی در بین کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، ۱۳۸۹، فصلنامه فراسوی مدیریت، شماره ۱۵.
۳۱. طوسی، محمد علی، (رهبری و مدیریت در سازمان)، ۱۳۷۰، نشر مرکز آموزشی مدیریت دولتی. پ.
۳۲. طالبان، محمد رضا، تحلیلی اجتماعی از خشنودی شغلی، ۱۳۷۴، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

۳۳. طالب پور، مهدی، امامی، فرشاد، بررسی ارتباط و تعهد سازمانی و وابستگی شغلی و مقایسه آن بین دبیران تربیت بدنی مرد آموزشگاه‌های نواحی هفت گانه مشهد، ۱۳۸۵، فصلنامه پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۱۲.
۳۴. طالب پور، مهدی، تحلیل و تبیین نگرش‌های شغل مدیران، کارمندان و اعضای هیات علمی دانشکده‌های تربیت بدنی کشور و ارتباط آن با جو سازمانی، ۱۳۸۰، رشته تربیت بدنی، دانشگاه تهران.
۳۵. طیبی نیا، موسی، بررسی عوامل جامعه شناختی مرتبط با منزلت اجتماعی معلمان زن، ۱۳۹۳، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه شناسی معاصر، شماره ۴.
۳۶. ظهیری، سهیلا، بررسی مقایسه‌ای رضایتمندی شغلی در سازمان آموزش و پرورش با سازمان بهزیستی سنندج، ۱۳۸۶، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد سنندج.
۳۷. عسگریان، مصطفی، جامعه شناسی محیط‌های آموزشی و پرورشی، ۱۳۷۰، تهران، نشر روان.
۳۸. عباس زادگان، محمد، مدیریت بر سازمان های نا آرام، ۱۳۷۹، تهران، نشر کویر، چاپ اول.
۳۹. عضدانلو، حمید، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی، ۱۳۸۴، تهران، نشر نی.
40. Ahmadi, A. (2014). The study of factors affecting the social status of teachers in Marivan city. First International Conference on Psychology and Behavioral Sciences. University of Tehran Conferences Center.1-9. In Persian.
41. Agi, M. A., & Nishant, R. (2017). Understanding influential factors on implementing green supply chain management practices: An interpretive structural modelling analysis. *Journal of environmental management*, 188, 351-363.
42. Alizadeh, E & Rezaye, A. (2009). A survey on the social status of the teacher's profession (high school teacher and teacher) and its changes over the past three decades. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 29 (8), 7-26. In Persian.
43. Barreto, N. B., & Hogg, M. A. (2018). Influence and leadership in small groups: Impact of group prototypicality, social status, and task competence. *Journal of Theoretical Social Psychology*, 2 (1), 26-33.
44. Cooke, D., & Dunhill, J. (1963). *School Organisation and Management*. London: University of London Press. Corneo, G., & Jeanne, O. (1998). Social organization, status, and savings behavior. *Journal of Public Economics*, 70 (1), 37-51.
45. Dunhill, J. & Cooke, D. (1963). *School Organisation and Management*. University of London Press.
46. Durkheim, E., & Suicide, A. (1952). *A study in sociology*. London: Routledge & K. Paul.
47. Euteneuer, F. (2014). Subjective social status and health. *Current opinion in psychiatry*, 27 (5), 337-343
48. Fazeli Jo, E. (2016). A Survey on Social Status among Physical Education Teachers in Shiraz. Master of Sport Management, Islamic Azad University, Shiraz Branch. In Persian.
49. Favati, A., Leimar, O., Radesäter, T., & Løvlie, H. (2014). Social status and personality: stability in social state can promote consistency of behavioural responses. *Proceedings of the Royal Society of London B: Biological Sciences*, 281 (1774), 1-10.

50. Feng, D., Su, S., Yan, Y., Xia, J., & Su, Y. (2017). Job satisfaction mediates subjective social status and turnover intention among Chinese nurses. *Nursing & health sciences*, 19 (3), 388-392.
51. Giddens, A., & Sutton, P. W. (1989). *Sociology*. Cambridge: Polity.
52. Jahangiry, A & Elmi, M. (2015). Societal factors related to the social status of Meshkinshahr high school teachers from the teachers' point of view. *sociological studies*, 7 (28), 23-7. In Persian.
53. Kellaraki, H & Dostdar, R. (2009). Investigating the Occupational and Social Status of Police in Iran and its Effective Factors. *Quarterly Journal of Law Enforcement Management*, 4 (2). 228-251. In Persian.
54. Lee, J. S. (2012). The effects of the teacher–student relationship and academic press on student engagement and academic performance. *International Journal of Educational Research*, 53, 330-340.
55. Longobardi, C., Iotti, N. O., Jungert, T., & Settanni, M. (2018). Student-teacher relationships and bullying: The role of student social status. *Journal of adolescence*, 63, 1-10.